

آگاه باشید؛ تاقله راهی نیست!

تجاوز مجدد آمریکا قطعی است

آرایش جنگی بگیریم

۳

زندگی انسان‌ها دمای شهرها را هم بالا برده است

ایران گرم‌تر می‌شود

۶

معمای نیم قرن اجتناب از جهان داستانی جلال آل احمد

تندی‌س‌های لال و

صداهای گریزان

۵

آسیب‌شناسی رکود نوآوری

در هنر مقاومت معاصر

قحطی روایت

۴



وقتی دیوارهای تحریم هم نمی‌تواند جلوی قدرت موشکی ایران را بگیرد



هادی رضائی

دبیر گروه سیاسی

اطلاعیه اخیر نیروی دریایی سپاه درباره به دام انداختن یک زیرسطحی هوشمند و بدون سرنشین آمریکایی در ورودی تنگه هرمز، صرفا یک خبر نظامی درباره شکار یک سامانه پیشرفته نیست؛ این رخداد را باید در چارچوب بزرگ‌تری از تقابل فناوری، اطلاعات و اراده سیاسی جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های فرامنطقه‌ای ارزیابی کرد. همزمانی این خبر با تاکید سردار

یمنی‌ها هر روز با صلابت‌تر از گذشته، متجاوزان سعودی را تنبیه می‌کنند

ضرب شست یمنی

۳

سپاه از به غنیمت گرفتن یک فروند زیرسطحی هوشمند

دشمن آمریکایی خبر داد

شکار کوسه

آمریکایی

۲

زیرسطحی بدون سرنشین آمریکایی، اهمیت دیگری نیز دارد؛ اهمیت اشراق اطلاعاتی و عملیاتی. بر اساس اطلاعیه سپاه، این سامانه در ورودی تنگه هرمز شناسایی و به غنیمت گرفته شده است. اگر مشخصات اعلام شده درباره این سامانه و مأموریت آن مورد تایید قرار گیرد، دستیابی به چنین تجهیزاتی می‌تواند برای شناخت فناوری‌های زیرسطحی بدون سرنشین، شیوه‌های ارتباطی، حسگرها و الگوهای عملیاتی آنها ارزش اطلاعاتی داشته باشد. تنگه هرمز صرفا یک آبراه جغرافیایی نیست؛ یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان و در عین حال منطقه‌ای است که هرگونه حضور نظامی قدرت‌های خارجی در آن، مستقیما با محاسبات امنیتی جمهوری اسلامی ایران گره می‌خورد. بنابراین هر اقدام موفق در زمینه شناسایی، رصد و مقابله با سامانه‌های متخاصم در این منطقه، حامل این پیام است که محیط پیرامونی کشور بدون رصد و پاسخ باقی نمی‌ماند. نکته مهم‌تر اما در پیوند این دو خبر نهفته است.

دشمنان جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته تلاش کرده‌اند فشار اقتصادی، تحریم فناوری و تهدید نظامی را در کنار یکدیگر قرار دهند تا هزینه دفاعی کشور را افزایش دهند. پاسخ ایران، در بسیاری از حوزه‌ها، حرکت به سمت خودکفایی و توسعه توانمندی‌های بومی بوده است. امروز موشک، پهپاد، سامانه‌های پدافندی و تجهیزات دریایی، صرفا ابزارهای نظامی

بلالی، مشاور عالی فرمانده نیروی هوافضای سپاه، بر تداوم و پایداری قدرت موشکی و پهپادی کشور، پیام روشن‌تری از آنچه در ظاهر این دو خبر دیده می‌شود، به همراه دارد.

سردار بالالی تاکید کرده است که «مانعی بر سر راه تولید موشک ایران وجود ندارد» و حتی اگر دشمن بخواهد کشور را با دیوار و سیم‌خاردار محاصره کند، قادر به متوقف کردن این توانمندی نخواهد بود. اهمیت این سخن در یک گزاره کلیدی خلاصه می‌شود؛ قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران دیگر صرفا به خرید تجهیزات، واردات فناوری یا دسترسی به بازارهای خارجی وابسته نیست؛ بخش مهمی از این قدرت در داخل کشور شکل گرفته و بر شبکه‌ای از دانش، نیروی انسانی، تجربه عملیاتی و زیرساخت‌های بومی استوار است. این همان نقطه‌ای است که تحریم‌ها در برابر آن با یک محدودیت جدی مواجه می‌شوند. تحریم می‌تواند دسترسی به قطعه یا فناوری خاصی را دشوار کند، اما هنگامی که دانش طراحی، مهندسی، تولید و ارتقای سامانه در داخل کشور نهادینه شده باشد، فشار خارجی الزاما به نتیجه مورد انتظار تحریم‌کنندگان منجر نمی‌شود. به همین دلیل، عبارت «قدرت درون‌را» در سخنان سردار بالالی صرفا یک تعبیر تبلیغاتی نیست؛ بلکه توصیفی از مسیری است که صنعت دفاعی ایران طی چند دهه پیهمه است.

از سوی دیگر، اطلاعیه نیروی دریایی سپاه درباره به دام انداختن یک

و بخش خصوصی تاکید کرد. حسینی در این همایش با اشاره به شرایط جدید اقتصاد کشور، ضرورت اصلی برای تشکیل‌های صنفی و اقتصادی را فراتر از توسعه کمی و گسترش ساختاری دانست و گفت: در پهنه تحولات اقتصادی کنونی، شکل‌ها باید به سمت ارتقای کیفیت و دستیابی به مرجعیت تخصصی حرکت کنند.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس تاکید کرد که کارآمدی یک تشکل تنها با تعداد اعضای آن سنجیده نمی‌شود، بلکه میزان اثرگذاری و توان علمی آن در پیشبرد منافع ملی، شاخص اصلی موفقیت تشکل‌های اقتصادی است. این نگاه در شرایط تشدید تحریم‌ها اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند؛ چراکه مقابله با محدودیت‌های اقتصادی نیازمند حضور مجموعه‌هایی است که علاوه بر شناخت دقیق بازارهای داخلی، توان تحلیل تحولات اقتصادی جهان و شناسایی فرصت‌های تجاری جدید را نیز داشته باشند. تشکل‌های اقتصادی می‌توانند با تکیه بر تخصص و ارتباطات خود، اطلاعات ارزشمندی از ظرفیت بازارهای خارجی، نیازهای تجاری کشورها، موانع صادرات و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهند. حسینی در ادامه سخنان خود بر یک واقعیت مهم در مسیر توسعه اقتصادی تاکید کرد؛ واقعیتی که می‌تواند مبنای جدیدی برای مرز ارز جنس جدایی نیست و این دو بخش در یک مسیر هم‌راستا و در یک خط واحد برای تحقق رشد اقتصادی حرکت می‌کنند. این موضوع شاید یکی از مهم‌ترین الزامات موفقیت دیپلماسی اقتصادی در شرایط فعلی باشد. در بسیاری از کشورهای جهان، دولت مسیرهای سیاسی و حقوقی را برای گسترش روابط اقتصادی فراهم می‌کند و بخش خصوصی به عنوان بازیگر اصلی تجارت و سرمایه‌گذاری، در میدان عمل وارد می‌شود.

در واقع، دیپلماسی اقتصادی زمانی موفق خواهد بود که میان دستگاه سیاست خارجی، نهادهای اقتصادی، اتاق‌های بازرگانی، تشکل‌های تخصصی و فعالان بخش خصوصی یک تقسیم‌کار روشن و هدفمند شکل بگیرد.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز تعامل سازنده و هم افزایی میان حاکمیت و بخش خصوصی را زیربنای اصلی ثبات و ثبات پایدار در اقتصاد کشور باشد. در شرایط تحریمی، این بخش می‌تواند زمینه‌ساز رشد و ثبات پایدار در اقتصاد کشور باشد. بخش خصوصی همکاری می‌تواند از سطح شعار فراتر رفته و به یک ضرورت عملی تبدیل شود. بخش خصوصی به دلیل حضور مستقیم در بازارها، بیش از بسیاری از دستگاه‌های دولتی با واقعیت‌های تجارت

نیستند؛ بخشی از سازوکار بازدارندگی کشور به شمار می‌روند. البته با بازدارندگی زمانی معنا پیدا می‌کند که در کنار قدرت سخت، با عقلانیت راهبردی و اشراف اطلاعاتی همراه باشد. هدف جمهوری اسلامی ایران جنگ‌طلبی نیست، اما تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که در محیط پرمخاطره منطقه، ضعف دفاعی می‌تواند دشمن را به محاسبه غلط وادار کند. از این منظر، تقویت توان دفاعی بیش از آنکه به معنای افزایش میل به درگیری باشد، تلاشی برای افزایش هزینه تجاوز و کاهش احتمال آن است. پیام اطلاعیه‌های اخیر سپاه را باید در همین چارچوب فهم کرد؛ ایران قرار نیست امنیت خود را به اراده دیگران واگذار کند. اگر تحریم‌ها قرار بود توان موشکی کشور را متوقف کنند، امروز سخن از استمرار تولید و توسعه این توان مطرح نبود و اگر حضور تجهیزات پیشرفته دشمن در پیرامون کشور به معنای مصونیت آنها بود، عملیات‌های اشرافی و اطلاعاتی ایران نمی‌توانست معادلات آنها را به چالش بکشد.

قدرت واقعی زمانی شکل می‌گیرد که فناوری، نیروی انسانی، تجربه میدان و اراده سیاسی در کنار یکدیگر قرار گیرند. آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، همین ترکیب است؛ ترکیبی که نشان می‌دهد فشار خارجی هرچند می‌تواند مسیر پیشرفت را دشوارتر کند، اما لزوما قادر به متوقف کردن حرکت کشوری نیست که بخش قابل توجهی از ظرفیت دفاعی خود را در داخل ساخته است.

هم‌افزایی میان حاکمیت و بخش خصوصی می‌تواند دیپلماسی اقتصادی را از ظرفیت بالقوه، به قدرتی بالفعل تبدیل کند

دیپلماسی اقتصادی؛ مسیر عبور از تحریم و گشودن بازارهای جدید

کند و نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در تقویت اقدام ملی داشته باشد.

در واقع، امروز اقتصاد ایران برای عبور از شرایط تحریمی بیش از هر زمان دیگری نیازمند ساختن همین پل‌هاست؛ پل‌هایی که از مسیر تجارت با همسایگان، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، استفاده از ظرفیت پیمان‌های اقتصادی، توسعه گردشگردی و ترانزیتی، گسترش صادرات غیرنفتی و فعال‌سازی بخش خصوصی ایجاد می‌شوند. دیپلماسی اقتصادی موفق همچنین نیازمند آن است که دستگاه‌های مختلف کشور از اقدامات جزیره‌ای فاصله بگیرند. سیاست خارجی بدون پیوست اقتصادی نمی‌تواند منافع تجاری کشور را به‌طور کامل تامین کند و سیاست اقتصادی نیز بدون توجه به تحولات سیاسی و بین‌المللی، از بسیاری فرصت‌های خارجی باز خواهد ماند. بنابراین باید میان دستگاه دیپلماسی، وزارتخانه‌های اقتصادی، بانک مرکزی، گمرک، سازمان توسعه تجارت، اتاق بازرگانی و تشکل‌های تخصصی هماهنگی بیشتری ایجاد شود. در شرایطی که تحریم‌ها مسیرهای رسمی تجارت را هدف قرار می‌دهند، یافتن روش‌های جدید همکاری اقتصادی، استفاده از ظرفیت تها، پیمان‌های پولی، ارزهای ملی و ایجاد سازوکارهای مالی منطقه‌ای نیز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

البته موفقیت این ابزار زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که هم‌زمان با توسعه روابط خارجی، موانع داخلی تجارت نیز کاهش یابد. حسینی نیز بر این باور است که نقش آفرینی تشکل‌ها در عرصه دیپلماسی اقتصادی تنها یک وظیفه نیست، بلکه ضرورتی برای عبور از چالش‌ها و دستیابی به شکوفایی پایدار محسوب می‌شود. دیپلماسی اقتصادی آمریکا همچنان یکی از ابزارهای اصلی فشار علیه اقتصاد ایران است. دیپلماسی اقتصادی می‌تواند از یک مفهوم نظری به یکی از مهم‌ترین ابزارهای عملی کشور برای کاهش آسیب‌پذیری تبدیل شود. استفاده از ظرفیت بخش خصوصی، تقویت تشکل‌های تخصصی، گسترش ارتباط با بازارهای جدید و تبدیل فعالان اقتصادی به بازوی مکمل دستگاه دیپلماسی، می‌تواند مسیر تازه‌ای برای اقتصاد ایران بگشاید. واقعیت آن است که عبور از تحریم تنها با مقاومت در برابر فشارها محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند ابتکار، حضور فعال در بازارهای منطقه‌ای و جهانی و ساختن شبکه‌های جدید اقتصادی است.

در این مسیر هم‌افزایی میان حاکمیت و بخش خصوصی می‌تواند همان حلقه مفقوده‌ای باشد که دیپلماسی اقتصادی ایران را از ظرفیت بالقوه به قدرتی بالفعل تبدیل کند؛ قدرتی که بتواند در دل محدودیت‌ها، فرصت‌های تازه‌ای برای تجارت، تولید و رشد اقتصادی کشور ایجاد کند.



سرلشکر ایزدی، جانشین فرمانده کل سپاه:
نیروهای مسلح اشراف کامل بر تنگه هرمز دارند

چهارشنبه ۱۸/ شهریور ۱۴۰۵/ شماره ۶۳۳



«آگاه» به بررسی پاسخ رئیس‌جمهور به تهدیدات ترامپ پرداخت

دکترین مقاومت ایران

می‌فهماند، برای رسیدن به توافق، باید هزینه اشتباهاتش را بپردازد.

۳. **اتحاد کامل بین دولت و میدان:** پاسخ قاطع رئیس دولت چهاردهم نشان می‌دهد که ایران در لایه سیاسی (ریاست جمهوری) کاملاً با لایه‌های نظامی و امنیتی هماهنگ است و با هدایت‌های داهبانه رهبر انقلاب و حضور مردم در کف خیابان‌ها، جبهه واحد علیه استکبار تشکیل شده است.

براین اساس، پاسخ رئیس‌جمهور به همتای آمریکایی خود، صرفاً واکنش دیپلماتیک نیست، تکرار و تأکید بر «دکترین مقاومت» است. ترامپ با تهدیدهای خود، در واقع در حال تست کردن میزان تحمل ایران است تا ببیند آیا دولت‌مردان، مسیر سازش را پیش می‌گیرند یا خیر. بنابراین پاسخ «مقاومت تا پشیمانی کامل»، سیگنال قوی به کاخ سفید داده، «دوران امید به تغییر رفتار آمریکا از طریق دیپلماسی صرف به پایان رسیده است.» ایران در این پاسخ، صراحتاً اعلام می‌کند که تنها راه خروج آمریکا از بن‌بست، پذیرش شکست در برابر اراده ایستادگی ایران است. چراکه در بزنگاه‌های مختلف و در دوران حضور دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در کاخ سفید و به‌خصوص در مقطع کنونی ثابت شده، تحریم‌ها نتوانسته‌اند اراده دولت و ملت را بشکنند. تهدیدات نظامی توانست متعرج به عقب‌نشینی «میدان» شود و در نهایت، دیپلماسی بدون قدرت، هیچ اثری بر تغییر رفتار متجاوزان ندارد.

پاسخ آقای رئیس‌جمهور، نقطه پایان توهمات و اشتگتن است که تصور می‌کرد با افزایش تهدیدها، می‌تواند ایران را به زانو درآورد. در واقع، باید با ریان «مقاومت و ایستادگی» با آمریکا سخن گفت. وقتی آمریکایی‌ها در عمل مشاهده کنند، تمام ابزارهای‌شان، از تحریم تا تهدید، در برابر دیواری از ایستادگی مطلق ایرانیان شکست خورده است. آن‌گاه است که مجبور به پذیرش واقعیت‌های جدید می‌شوند. در مجموع ایران و ایرانیان مسیری در پیش گرفته‌اند تا طرف مقابل بی‌برد با ایستادگی و مقاومت، شما را به نقطه‌ای می‌رسانیم که خودتان متوجه شوید تنها راه نجات‌تان، پشیمانی از سیاست‌های متجاوزانه در قبال کشورهای مستقلی همچون «جمهوری اسلامی» است. رئیس‌جمهور، حرف مردم را در توثیقش زد.

«متن»، به «زمینه» نگاه کرد، تهدیدات او از سه منظر قابل تبیین است،

■ او فردی معامله‌گر شناخته می‌شود و برای آنکه در «بده بستان‌های» سیاسی دست بالا را داشته باشد، ابتدا سعی می‌کند طرف مقابل را به شدت تهدید کند تا آنها را به موقعیت اضطراری برساند. از این رو با تهدید، می‌خواهد ایران را به سمتی بکشانند که برای خروج از فشار، امتیازات گسترده‌تری، بیش از آنچه در برجام بود، بدهد.

■ ترامپ در فضای سیاسی آمریکا با چرینی روبه‌روست که هرگونه انعطاف در برابر ایران را «ضعف» می‌نامند. بر همین اساس برای حفظ چهره خود در برابر ایستادگان جمهوری‌خواه، نیاز دارد که مدام علیه ایران موضع تهاجمی بگیرد تا ثابت کند، او تنها کسی است که می‌تواند آمریکا را به جایگاه قدرت مطلق بازگرداند!

■ رئیس دولت آمریکا تلاش می‌کند با ایجاد فضای ناپایداری و تهدید، باعث ایجاد شکاف یا فشار در لایه‌های مختلف تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی شود. تهدید برای او یک «ابزار مدیریت» است، نه لزوماً برنامه عملیاتی برای جنگ.

حال پاسخ رئیس‌جمهور کشورمان با عبارت «مقاومت تا پشیمانی کامل متجاوزان» سه پیام برای آمریکایی‌ها به همراه دارد:

۱. **ابطال سیاست تهدید:** وقتی رئیس‌جمهور در پاسخ به تهدید، نه تنها عقب‌نشینی نمی‌کند بلکه بر مقاومت تأکید دارد، در واقع اثر روانی تهدید ترامپ را خنثی می‌کند. برای کاخ سفید، این پیام روشن است: «سیاست تهدید و ترساندن در بین مردم و دولت‌مردان ایران، اثرگذار نیست.»

۲. **آمریکا و پذیرش خطاها در قبال ایران:** عبارت «پشیمانی کامل متجاوزان»، دراصل کد سیاسی است. یعنی ایران به دنبال توافق ساده یا موقت نیست، به دنبال این است که آمریکا به اشتباهات و خطاهای راهبردی خود مانند نقش‌آفرینی در شهادت رهبر انقلاب، تعدادی از فرماندهان ارشد نیروهای مسلح، دانشمندان و مردم و کودکان مظلوم و بی‌گناه، تحریم‌های گسترده و مداخلات منطقه‌ای اذاعان و خسارت‌های تحمیل شده را پرداخت کند. این پاسخ، سطح توقعات ایران را بالا می‌برد و به آمریکا

دونالد ترامپ با تکرار تهدیدات علیه ایران، در تلاش است تا با استراتژی «فشار حداکثری»، اراده ملی ایران را برای امتیاز دادن در مذاکرات احتمالی متزلزل کند. اما پاسخ قاطع رئیس‌جمهور پرشکیان با تأکید بر «مقاومت تا پشیمانی کامل متجاوزان»، این توهم را درهم شکست. این پاسخ سیگنالی روشن به کاخ سفید است که دوران تکرار یاوه‌گویی‌ها به پایان رسیده و تنها زبان قابل فهم برای متجاوزان، «ایستادگی مطلق» است. ایران با این موضع، اعلام کرد، نه تهدیدها و نه تحریم‌ها، توان خرد کردن اراده‌ای را ندارند که هدفش، واداشتن آمریکا به پذیرش شکست و پشیمانی است.

مسعود پزشکیان در یوز سه شنبه ۱۷ شهریور در پاسخ به اظهار نظر موهوم رئیس‌جمهور آمریکا با انتشار پیامی در یکی از شبکه‌های اجتماعی نوشت: «جمهوری اسلامی ایران همواره با جنگ مخالف بوده و حفظ منافع مردم و امنیت منطقه را در پرهیز از آتش افروزی دانسته است. اما چنانکه تا امروز در برابر تجاوز، دلیرانه به دفاع برخاسته است، این مقاومت را تا پشیمانی کامل متجاوزان با قوت ادامه خواهد داد و پاسدار حقوق ملت بزرگ ایران خواهد بود.»

رئیس‌جمهور نیز ریاست آمریکا بعد از شکست در جنگ با ملت ایران و عدم توانایی در بازکردن تنگه هرمز، به فضاسازی رسانه‌ای روی آورده و با زبان ارباب و تهدید با مردم کشورمان سخن می‌گوید. مسئولان عالی‌رتبه کشورمان از طرق مختلفی پاسخ یاوه‌گویی‌های او را دادند و مردم نیز در اجتماعات شبانه در خیابان‌ها و میادین، انزجار خود از آمریکا و اسرائیل را فریاد زده و بر لزوم مقابله بیش از پیش با این دو رژیم تروریست تأکید کرده‌اند. اما چرا ترامپ همچنان به تهدید علیه ایران روی آورده است؟

برای درک دلیل تداوم تهدیدات مستاجر دیوانه کاخ سفید، باید به جای نگاه کردن به

سپاه از به غنیمت گرفتن یک فروند زیرسطحی هوشمند دشمن آمریکایی خبر داد

شکار کوسه آمریکایی



نیروی دریایی سپاه یک زیرسطحی هوشمند آمریکا را در تنگه هرمز شناسایی و به غنیمت گرفت. این اقدام که طی یک عملیات اطلاعاتی صورت گرفت، نشان‌دهنده اشراف کامل ایران بر حریم آبی خود و توانایی شکار پیشرفته‌ترین تجهیزات دشمن است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عصر روز گذشته در اطلاعیه شماره ۱۲ خود خطاب به مردم مبعوث شده ایران عزیز، نوشت: با عنایت خاصه خداوند متعال، رزمندگان نیروی دریایی سپاه یکی از مدرن‌ترین زیردریایی‌های هوشمند و بدون سرنشین ارتش تروریست آمریکا را در ورودی تنگه هرمز طی یک اقدام پیچیده اشراف اطلاعاتی و عملیاتی در سحرگاه روز سه شنبه به دام انداختند. در این اطلاعیه آمده است، زیرسطحی هوشمند از جدیدترین تکنولوژی در حوزه زیرسطحی در دنیا پرخوردار بوده، که سال ۲۰۲۵ میلادی به ناوگان ارتش تروریست آمریکا تحویل شده است. این زیرسطحی اکنون به غنیمت گرفته شده و تصاویری از آن منتشر خواهد شد.

زیردریایی خودکار جدید نیروی دریایی آمریکا Dive LD

زهپاد، Dive LD یک وسیله زیرسطحی خودکار بزرگ یا Large-Displacement AUV است که ابتدا توسط شرکت Dive Technologies ساخته شد و پس از خرید این شرکت، توسعه آن در مجموعه Anduril Industries ادامه یافت. نخستین دستگاه در آوریل ۲۰۲۵ به یگان پیپادهای زیرسطحی نیروی دریایی آمریکا، UUVRON1، تحویل داده شد تا در شرایط عملیاتی ارزیابی شود. زیردریایی خودکار Dive LD محصول شرکت آمریکایی Anduril Industries است که نخستین نمونه آن در سال ۲۰۲۵ به یگان سامانه‌های زیرسطحی بدون سرنشین نیروی دریایی آمریکا تحویل داده شد. این سامانه حدود ۵/۸ متر طول و نزدیک به سه تن وزن دارد و برای انجام مستقل مأموریت‌های طولانی در آب‌های عمیق طراحی شده است. باید بداندید که Dive LD می‌تواند تا ۱۰ روز زیرآب فعالیت کند و براساس مشخصات اعلامی سازنده، توان رسیدن به عمق ۶۰۰۰ متر را دارد. طراحی ماژولار و بخش‌های تولیدشده با چاپ سه‌بعدی، امکان نصب سریع انواع حسگرها و محموله‌های مأموریتی را فراهم می‌کند. شناسایی و مراقبت زیرسطحی، نقشه برداری بستر دریا، کشف مین، بررسی کابل‌ها و خطوط لوله دریایی، پشتیبانی از جنگ ضد زیردریایی و انتقال اطلاعات از مهم‌ترین مأموریت‌های احتمالی آن است. نقطه قوت اصلی Dive LD، ترکیب خودمختاری، ماندگاری عملیاتی و قابلیت تغییر مأموریت مصوب می‌شود. شکار زیرسطحی هوشمند آمریکایی، حامل پیام بازدارندگی ایران است. این اقدام سه دسآورد کلیدی به همراه دارد. اول، اثبات ناکارآمدی تجهیزات آمریکا در برابر اشراف عملیاتی ایران، دوم، ضربه روانی به پنتاگون از طریق به غنیمت گرفتن تجهیزاتی که رازهای نظامی آمریکا در آنها نهفته است و فرصت مهندسی معکوس فراهم می‌کند، سوم، ارسال پیامی قاطع به ترامپ مبنی بر اینکه هرگونه نفوذ یا تهدید در منطقه با پاسخ عملی و دقیق روبه‌رو خواهد شد. به زبان ساده‌تر این اتفاق حکایت از آن دارد که تکنولوژی پیشرفته آمریکا، تضمینی برای عبور از سد دفاعی ایران نیست، شکار اخیر هم‌زمان شهید نگسیری در دریا متعرج به تغییر موازنه در تنگه هرمز شد. در واقع، ایران با این اقدام، حریم نفوذ آمریکا را به «فقس شکار» تبدیل کرد و بازدارندگی خود را از حالت «تدافعی» به حالت «تهاجمی-هوشمند» ارتقا داد.

در سفر عارف به قم انجام شد

ارائه گزارش عملکرد دولت به مراجع

معاون اول رئیس‌جمهوری که از روز دوشنبه سفری دو روزه به شهر قم داشته است، روز گذشته با تعدادی از مراجع تقلید و علمای استان دیدار و گفت‌وگو کرد. محمدرضا عارف همچنین به حرم حضرت معصومه (س) مشرف شد و همچنین با حضور بر مزار شهیدان علی و مرتضی‌الریضانی در حرم مهر حضرت معصومه (س)، به مقام این شهدا ادای احترام کرد. عارف در ادامه نیز با حضور بر سر مزار شهید سپهبد موسوی و حاج رمضان، یاد و خاطره این سرداران را گرامی داشت.

معاون اول رئیس‌جمهور در دیدار با آیت‌الله کریمی‌جهرمی، «وفاق ملی» را راهبرد دولت چهاردهم دانست و گفت: دولت با وجود تحریم‌ها و جنگ‌ها، به جت‌ها نیز به زودی اجرایی می‌شود. محمدرضا عارف همچنین بر آمادگی کشور در برابر تهدیدهای احتمالی و ضرورت حفظ انسجام اجتماعی تأکید کرد. آیت‌الله کریمی‌جهرمی نیز خواستار توجه بیشتر دولت به افشار ضعیف، حل مشکلات معیشتی، مقابله با فساد اقتصادی، استفاده از نیروهای متخصص، پرهیز از تخریب و تبیین صادقانه شرایط کشور برای مردم شد. عارف در دیدار با آیت‌الله شبیری‌زنجانی، با اشاره به جنگ‌های اخیر گفت: دشمن به اهداف خود نرسیده و «استمرار حاکمیت بر تنگه هرمز» از مسائل اصلی کشور است. آیت‌الله شبیری‌زنجانی نیز ضمن حمایت از دولت، تأکید کرد تضعیف دولتی که برای حل مشکلات مردم تلاش می‌کند، شرعی نیست. معاون اول رئیس‌جمهور در دیدار با آیت‌الله سبحانی، تأمین معیشت مردم و کالاهای اساسی را از اولویت‌های دولت برشمرد و از افزایش مبلغ کالا برگ خبر داد. وی همچنین بر توسعه روابط با کشورهای همسایه، آسیای میانه، قفقاز و کشورهای اسلامی تأکید کرد و گفت: مدیریت تنگه هرمز باید در اختیار ایران و عمان باشد. آیت‌الله سبحانی نیز خواستار گسترش هرچه بیشتر روابط با کشورهای اسلامی و همسایه و تقویت وحدت میان کشورهای مسلمان شد. عارف در دیدار با آیت‌الله بیات زنجانی، جنگ اقتصادی را محور فشار دشمن دانست و گفت: دولت در کنار مقابله با گرانی، گران فروشی و احتکار، تقویت فناوری و بازگشت نخگان مهاجرت‌کرده را دنبال می‌کند. آیت‌الله بیات زنجانی نیز با تأکید بر سلامت و صداقت دولت چهاردهم گفت: شفافیت با مردم می‌تواند همراهی اجتماعی را افزایش دهد و دولت در مدیریت شرایط جنگی عملکرد قابل‌قبولی داشته است. معاون اول رئیس‌جمهور در دیدار با آیت‌الله علوی‌بروجردی نیز از تقویش اختیارات بیشتر به استانداران، حمایت از واحدهای تولیدی و تلاش برای جلوگیری از بیکاری سخن گفت و درباره مذاکرات با آمریکا نیز تأکید کرد که گفت‌وگو همچنان در اهرداد ایران قرار دارد. هرچند آمریکا بارها به تعهدات خود عمل نکرده است. آیت‌الله علوی‌بروجردی نیز ضمن تأکید بر ضرورت حفظ امنیت و سرمایه اجتماعی، خواستار تداوم مذاکرات شد و گفت: باید از ظرفیت کشورهای دیگر برای تضمین اجرای تعهدات در مذاکرات استفاده کرد.

تجاوز مجدد آمریکا قطعی است

آرایش جنگی بگیریم



باید با ساختارزدایی از بیروگرایی بی‌جان، به فراگراهی چابک و عملیاتی بدل شود. کنشش مدیران در تراز انقلاب اسلامی، پیوندی ناگسستنی با تحول در ساختارهای اجرایی دارد؛ نمی‌توان با تفکر و داده و ساختارهای فرسوده اداری، توقع خلق هماس در عرصه اقتصاد و فناوری داشت؛ ژنرال‌های اقتصادی دولت نیز باید به فرماندهان نظامی، روحیه جهادی و رویکرد مسئله‌محور را سرلوحه کار خویش قرار دهند.

جنگ ترکیبی است

تمرکززدایی از میزهای ستادی و حضور میدانی در پهن مسافتی مرزیه، راز پیروزی جمهوری اسلامی در حوضه جدلی است؛ این الگوی موفق فرماندهی نوین به معنای یک ضرورت حتمی در رازخانه‌ها و نهادی است که دستگیر تشریف یابد تا هر مدیر، خود را در خط مقدم روبرویی با جنگ ترکیبی دشمن ببیند. آنچه واضح است آن است که نبرد نهایی با آمریکا نزدیک است؛ آمریکایی‌ها به احتمال بسیار با در نیمه‌ای است، معجب به ایران تجاوز می‌کنند؛ آنچه اینجا مهم است آن است که اول ما غافلگیر نشویم. تقابل‌ها صورت گرفته در تمامی حوزه‌ها و عرصه‌ها، آرایش جنگی داشته باشیم. نمایان سرنوشت ساز با ماشین جنگی استکبار جهانی، به نقطه عطف حاسم خود نزدیک می‌شود؛ این را، هوشیاری همه جهانیان و رصد شایعه روزی تحریک رژیم ایالات متحده می‌کند که این هم‌امروز، تمامی اقدامات اقتصادی، امنیتی و رسانه‌ای در حالت آماده‌باش صدبرصدی قرار گیرند تا هرگونه سناریوی غافلگیر کردن از ناحیه دشمن، در نقطه خفه شود. افول قدرت پوشالی آمریکا و صهیونیسم، آنها را به سمت سناریوهایی تنگباری و تعرض دشمن سوق داده است؛ ضرورت راهبردی این رهبر، ترک کامل خوش‌خیالی‌ها و دیپلماتیک و پروکراسی روزه‌ده است تا تمامیت ارکان کشور، حوضه فاع همه‌جانبه‌ای و آرایش جنگی را بن کنند.

کرده است؛ اما این اقتدار ستودنی، زمانی کاملاً تلویزی می‌یابد که دولت نیز در عرصه داخلی، با اقتدار میرپیتی و حذف جریان‌های غریب‌ده، نشان دهد که همچون بربریه‌های مسلح، پرچمدار غفلت و خودکفایی است.

در پیوه‌های شرایط حساس فعلی، آرایش جنگی برای دولت یک گزینه یا یک شعار نیست، بلکه یک ضرورت استراتژیک است. آرایش جنگی یعنی چیدمان مهره‌ها و تصمیمات به شکلی باشد که هیچ شکافی برای نفوذ دشمن وجود نداشته باشد. باید فریاد زد که آمادگی و آرایش جنگی، یک شوخی اداری یا یک عبارت برای مصاحبه‌های تلویزیونی نیست؛ بلکه یک استراتژی دفاعی است. در شرایطی که تهدیدات از سر هوای ایران را محاصره کرده، تصمیماتی که جامعه را به لبه پرتگاه معیشتی می‌برد، در درهای نفوذ دیجیتال را باز می‌کند، نه از سری اطلاعاتی، بلکه از سری کفایتی استراتژیک است.

تجربه جنگ موجب شد آرایش نیروهای مسلح تغییر کند و از حالت صفرا ستاد فاصله گرفته و به سمت یک ساختار عملیاتی حرکت کند. هنرمندان باید به گونه‌ای در حوزه‌ها و قوا به پیوسته قوه مجریه نیز تسری یابد. در حوزه نظامی اگر به تغییر رویکردها و انتخاب فرماندهان نیز توجه کنیم، این تحول قابل مشاهده است. ادغام ساختار ستادی و عملیاتی نیز نشان دهنده این است که نیروهای مسلح ما می‌خواهند پیش از گذشته عملیات محور باشند. آرایش نیروهای مسلح حتی در حالت واکنشی و صرفا دفاع محور نیز فاصله گرفته و به سمت ابتکار عمل بیشتر کرده است. این شرایط، صبر راهبردی نیز باید در کنار عقل راهبردی معنا پیدا کند؛ یعنی تصمیم‌گیری نه بر اساس احساسات، بلکه بر مبنای رفتار دشمن و شرایط واقعی میدان انجام شود.

گذار از دکتري‌ن صرفاً بازدارنده به دکتري‌ن ابتکار عمل و تهاجم راهبردي، نيازمند دگرگوني در ساختارهاي سنتي دستگاه اجرائي است؛ همان گونه که نيروهاي مسلح با داغام ستاد و ميدان، زنجيره تصميم تا اجرا را به حداقل رسانده‌اند، قوه مجريه نيز

یمنی‌ها هر روز با صلابت تر از گذشته، متجاوزان سعودی را تنبیه می‌کنند

ضرب شست یمنی

حملات قرار گرفته‌اند. بر اساس این بیانیه، حملات منجر به آتش سوزی در چندین تأسیسات و توقف موقت عملیات در برخی از آنها شده است. وزارت انرژی سعودی همچنین اعلام کرده که مقامات مربوطه در حال انجام اقدامات لازم برای تأمین ایمنی تأسیسات و پرسنل و همچنین تداوم عملیات هستند. روزه گذشته به پایتگاه‌ها، سومین حمله به تأسیسات نفتی عربستان در کمتر از ۴۸ ساعت معسوب می‌شود.

روز دوشنبه نیز پایا ایستگاه عظیم آرامکو در شهر جازان مورد حمله قرار گرفت. این پایا ایستگاه که ۴۰۰ هزار بشکه در روز ظرفیت دارد، پس از این حمله دچار آتش سوزی شد و تیم های آتش نشانی آرامکو موفق به مهار آن شدند. وزارت انرژی سعودی اعلام کرد که در این حادثه هیچ کس زخمی نشده است.

انکسور موبیل اداره می شود، با ظرفیت ۴۰۰ هزار مگابایت در روز هر روز، توسط راه های آنتن گرفت، این آنتن ها در سطح سده نون تنگه هرمز، به عنوان مجموعه جایگزین مخابرات نفت، اهمیت استراتژیک این دارد. شرکت آرمکو در مجموع به پالایشگاه در داخل عربستان سعودی دارد که شامل پنج پالایشگاه کاملاً متعلق به این شرکت می باشد و چهار پالایشگاه مشترک می شود. ظرفیت کل پالایشی داخلی آرمکو حدود ۳ میلیون بشکه در روز است.

آتش های که امروز در قلب تابسیامت متجازان سعودی شعله ور است، از خاک

در تاریخ پنج سال آبان جاری، انتخابات کنگره آمریکا برگزار خواهد شد. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ترامپ، رئیس جمهور جنگ طلب و تئوریست این کشور تا زمان دربر آریا این خط و دست به دست به دست خواهد کرد. اما پس از تاریخ پنج آبان، تا موعد ۳۰ دی که نمایندگان جدید وارد کنگره شوند، ترامپ جاکتور فشار را به ایران خواهد آورد و احتمالاً مجدد به کشورمان تجاوز خواهد کرد؛ بنابراین باید خود را مهیای نیمه دوم فوج ۴۰ روزه کتیم و کل کشور در همه بخش‌ها به ویژه بخش اجرایی، آرایش جنگی بگیرند.

[illegible]

هم افزایی کامل دستگاه اجرایی با نهادهای امنیتی و دفاعی

به هروزی، نیمه دوم جنگ ۴۰ روزه در راه است؛ شرایطی که ایجاد می‌کند ساختار اجرائی کشور تمامی ارگان‌ها نظام، لحظه‌ای از صدمت تحولات غافل نشده و بی‌درنگ در تمامی بخش‌ها و حوزه‌ها با شرایط جنگی تمام‌عاری خود برخورد می‌کنند. بگردن. همچنین با توجه به ستاروی ارتباطی تنگ‌مخالفات، ضرورت دارد که ساختار اجرائی کشور همگام با ستاد کل نیروهای مسلح، وضعیت آمادگی خود را از شرایط عادی به آرایش جنگی همه‌جانبه و تمام‌ارتفاع دهد. بازدارندگی موثر در این مقطع بحرانی مستلزم هم‌افزایی کامل دستگاه اجرائی با نهادهای امنیتی و دفاعی، اقصی سازی زیرساخت‌های حیاتی و آمادگی عملیاتی در حوزه‌های پدافندی، اقتصادی و سایریر برای خنثی‌سازی هرگونه خطای محاسباتی از سروی دشمن است.

آرایش جنگی، تنها در ساحت رزم سخت معنا نمی یابد، بلکه در اتاق های فکر اقتصادی و مدیریتی نیز باید سایه گستر باشد؛ نمی توان با تکیه بر نسخه های وارداتی و دل بستگی به لیخن دشمن، انتظار داشت که تاب آوری ملی در برابر فشارهای ترکیبی حفظ شود؛ چرا که پیاده سازی اقتصاد مقاومتی با بدنه اجرایی متمایل به گوی لیبرال، محال است.

دولت چهاردهم برای عبور از تنگنای معیشتی، نیازمند یک پالایش ساختاری در عرصه‌های گفتمانی است؛ جایگزینی جریان‌های حاشیه‌ساز با مدیرانی که فهم آنان، سرمایه اجتماعی نظام را هدف قرار می‌دهد. ساده‌انگاری در دینامیسی و انتظارگشایی از سوی جبهه استکبار، همان خطای راهبردی دیرینه‌ای است که بیشتر زین‌کشور را از مسیر بالنده خود بازداشته؛ مدیریت جهادی، نیازمند دوری قاطع از جریان‌های تسلیم طلب و اتکای بی‌ساده به بازوهای توانمند صنعت و دفاع و دانش‌سوی است.

دولت به روش نیروهای مسلح عمل کند

برخی سوء مدیریت ها در بدنه اجرائی، بیانگر آن است که برخی مسئولان، هنوز با اولویت های خطر دوران جنگ اقتصادی را درک نکرده اند و همچنان درگیر حاشیه هایی هستند که برای نان و معیشت مردم مخرب است. جمهوری اسلامی در عرصه میدان و دیپلماسی منطقه ای، قواعد بازی را به نفع جبهه مقاومت بازنویسی

عراقچی:
گه هرمن، شرط دارد

[illegible]

چرا تنگه هرمز بسته شد؟

یکی از مهم‌ترین پیامدهای تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل، مشدند امنیت یکی از حیاتی‌ترین آبراه‌های جهان بود. تنگه هرمز که بیش از جنگ روزانه حدود ۲۰ درصد از نفت جهان و بیش از ۸۰ درصد از محموله‌های ایران است که به آسیای میانه رود آن مورد تمرکز می‌باشد، یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای امنیت منطقه است. در حالی که آمریکا با اقدام نظامی متجاوزانه خود زمینه‌ساز آن بود، پس از حملات مشترک آمریکا و اسرائیل، محدودیت‌های ناوبری در تنگه هرمز اعمال شد و این گذرگاه حیاتی به کانون بحران تجارت جهانی تبدیل شد. در همین راستا، شرکت‌های حمل و نقل دریایی مانند سی‌ام‌ام، سی‌اس‌ام، ا‌ام‌اس‌سی، مرسک و هاپگ‌لند، مسیر عبوری خود از تنگه هرمز را به سمت ماغاه امپدیک در افریقا تغییر دادند؛ اقدامی که هزینه‌های حمل و نقل دریایی را به شدت افزایش داد.

امیرا نشان داده که تردد نفکشان‌ها از این تنگه از میگین روزانه ۱۲۹ فروند است. روزهای پیش از جنگ به تنها سه فروند روز کاهش یافته است. این احتمال که نتیجه تصمیمات نظامی متجاوزان آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران بود، ۱۰ درصد افزایش یافته و به بیش از ۱۴۰ درصد رسیده است. روزنجره تامین انرژی آسیا را به بحران بی‌سابقه‌ای مواجه کرد. خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز در گزارشی تحلیلی با اشاره به پیامدای اقتصادی این جنگ، بسته شدن تنگه هرمز را یکی از دلایل اصلی جهش قیمت انرژی در جهان دانست. این خبرگزاری نوشت قیمت نفت در حدود ۷۰ دلار برای هر بشکه به حدود ۱۲۰ دلار رسید و سپس به حدود ۹۰ دلار کاهش یافت. موریس اوپنستدل، پژوهشگر ارشد موسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون و اقتصاددان ارشد پیشین صندوق بین‌المللی پول، در همین ارتباط گفت: «ما مدت‌ها این را در ذهن خود می‌پروریم که با آغاز جنگ، تنگه هرمز بسته شده و این امر حقیقتاً وسایل را گران‌تر می‌کند».

بقایى:

بیانیه کانادا در حمایت از جنگ علیه ایران، همدستی در قانون شکنی است

سخنگوی وزارت امور خارجه، درواکنش به بیانیه مشترک وزاری امور خارجه و دارایی کانادا در همراهی با اقدامات مداخله جویانه و جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران در شبکه ایکس نوشت؛ درست در همان روزی که رئیس جمهور آمریکا به هر حتمی به حاکمیت و استقلال کانادا، کار خود را بشمارد و به عنوان بخشی از قلمرو امریکا پذیرفته کرد. وزیر امور خارجه و دارایی کانادا تصمیم می گیرند باز هم در مسیر بیاج دهی به همسایه قلبی قدیم درازند؛ این بار از طریق یک اگهی است که سمت ایران از طریق صدور بیانیه ای که سراسر تعریف واقعیت ها و اقصیا برای آن فرد، مقدم و نامعذرت دارد؛ این بار از طریق یک اگهی است که سمت ایران از طریق صدور بیانیه ای که سراسر تعریف واقعیت ها و اقصیا برای آن فرد، مقدم و نامعذرت دارد؛ این بار از طریق یک اگهی است که سمت ایران از طریق صدور بیانیه ای که سراسر تعریف واقعیت ها و اقصیا برای آن فرد، مقدم و نامعذرت دارد؛

آزادی کشتیرانی از حقوق بین الملل معرفی کند و هم از تجاوز نظامی آمریکا و اقدامات غیرقانونی و مداخله جویانه آن در منطقه ما حمایت کند. بقایا ادامه داد، اگر مسئله واقعا آزاد کشتیرانی های، چرا کانادا، کند. خود بخاطر بعضی از مسائلی جدید و مهم مانند امنیتی، امنیت و...

انجام می شوند، به جای مطالبه توقف جنگ و رفع عوامل تشدید کننده بحران، از تجاوز نظامی و تروریسم اقتصادی آمریکا حمایت می کند؟ سخنگوی وزارت امور خارجه تصریح کرد: این، نه دیپلماتی است و نه نشانه حکمرانی مسئولانه، بلکه نشانه سردرگمی راهبردی و تسلیم در برابر قدرتی است؛ انتخابی که حتی خود کانادا را هم بیشتر در معرض تعرض ها و بیاج خواهی های آمریکا قرار خواهد داد.

سخنگوی قوه قضاییه:
 رونده وطن فروشان
 ر حال رسیدگی است

سخنگوی قوه قضایه در جریان نشست خبری روز گذشته خود، با اشاره به اقدامات دستگاه قضایی در برخورد با افراد خائن و وطن فروش در جریان جنگ و پس از آتش بس گفت: قوه قضایه از همان ابتدا به صورت قاطعانه و جدی وارد این موضوع شد و در خصوص افرادی که به کشور خیانت کرده‌اند، پرونده‌های قضایی تشکیل داد.

علی کاظمی در پاسخ به سوالی درباره میزان اموال توقیف شده افراد خائن و مومل مصرف این اموال، اظهار کرد: در این خصوص پرونده‌های متعددی تشکیل شده و در برخی پرونده‌ها غیر خواست صادر شده، حکم صادر شده و پرونده‌ها به نتیجه رسیده است. اموالی نیز توقیف شده، تضمین‌هایی اخذ شده و اقدامات دیگری نیز صورت گرفته است. وی افزود: در کنار این موارد، برخی پرونده‌ها همچنان در حال رسیدگی است و پرونده‌های دیگری نیز در حال تشکیل شده هستند.

سنگینی قوه قضاییه با بیان اینکه حجم اموال موجود در این پرونده‌ها بسیار زیاد است، گفت: قهری نمی‌توان جرئیات این اموال در این محال نمی‌گنجد و ان‌شاءالله از طریق رسانه رسمی قوه قضاییه اطلاعات لازم در خصوص در اختیار رسانه‌ها و مردم فراهم خواهد گردید. کاظمی ادامه داد: پیگیری‌هایی که در زمینه نام داشته، نشان می‌دهد جمعیت اطلاعات مربوط به این اموال با توجه به تنوع و میزان آنها کار ساده‌ای نیست و مسئولان مربوطه برای اطلاع‌رسانی دقیق در این زمینه فرصت بیشتری خواسته‌اند. وی در پاسخ به سوالات درباره رفع توقیف برخی اموال نیز گفت: بله، قوه قضاییه تمام تلاش خود را دارد که در کنار برخی قاطعانه با افراد خائن و وطن‌فروش، موازات دادگاه‌های عادلانه نیز به‌طور کامل رعایت شود.

در همین حال، بانک آمریکایی گلدمن ساکس پیش‌بینی خود از قیمت نفت برنت و وست تگزاس اینترمدیت برای دسامبر ۲۰۲۶ را پنج دلار افزایش داد و به ترتیب به ۸۵ دلار و ۸۰ دلار برای سال ۲۰۲۷، به ترتیب به ۸۰ دلار و ۷۵ دلار رساند که نشان‌دهنده فرض جدید آن مبنی بر ادامه اختلالات کشتیرانی خاورمیانه تا سال ۲۰۲۷ است. براساس گزارش روتیتر، دامپیر، تحلیلگر در چشم‌انداز کالایی ماه سپتامبر پلنفرم خدمات مالی مارکس گفت که زمانی که جنگ ادامه داشته باشد، قیمت نفت خام احتمالات پایان سال بالا خواهد ماند.

در این بین، تأسیسات نفتی آرامکو عربستان سعودی در حجاز در نزدیکی دریای سرخ روزهای دوشنبه و سه‌شنبه هدف حملات مقاومتی من قرار گرفت. این جدیدترین مورد از یک سری حملات بود که پیش از این باعث توقف فعالیت یک پالایشگاه بزرگ در این منطقه شده بود. در پی تجاوزات عربستان علیه یمن، ارتش یمن بارها کشتی‌های عربستانی در دریای سرخ و پایگاه‌های این کشور در مرزها را هدف قرار داده است.





نقل چهارشنبه‌ها از آنها که ستون خیمه‌ها شدند پرواز ابدی دخترک ژیمناست

مرضیه کیان، خبرنگار: بعضی آدم‌ها مثل پرندۀ اند؛ برای پرواز خلق شده‌اند، نه برای خاک نشینی. روایت شانزدهم، قصه همین پرواز ناتمام است. تارا؛ همان دخترک ژیمناست ۱۲ساله‌ای که در تلاطم جنگ ۱۲روزه، درست در اوج آرزوهای طلایی‌اش با پدر و مادرش زیر آوار برج ارکیدۀ پر کشید. دخترکی که قرار بود مدال‌هایش برگردن ایران بدرخشد، اما سقف آسمانش با کینه صهیونیست‌ها فرو ریخت. حالا لباس ورزشی او بر دیوار خانه، نه یک یادگاری تلخ، که پرچم استوار انتقامی است که قرار است در سکوی قهرمانی به اهتزاز درآید.

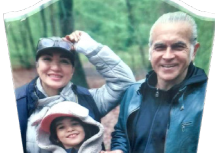
تهران! دوباره آمدم سراغ تو. امروز هوای تو باز دم دارد. بغض گلوئی من را رها نمی‌کند. تقویم را که ورق می‌زنم انگار خون از میان روزها می‌چکد. باید بنویسم تا خفه نشوم. نگاه کن به این خیابان‌ها. به این آدم‌ها که تند تند راه می‌روند و پاشنه کفش ورمی‌کشند برای رسیدن به هیچ. روزمرگی چشم همه را بسته است. انگار هیچ خبری نیست. اما زیر پوست این شهر خون تازه جریان دارد. امروز کنار مرز خانوادۀ حاجی میری نشستیم. سه سنگ قبر کنار هم. سه جان شیفته که یک شبه میان شعله کینه خاکستر شدند. تهران! تو خودت تارا را دیدی. همان دخترک ریزقش. همان که چشم او از شوق پرواز روی تشک ژیمناستیک برق می‌زد. ۱۲ بهار بیشتر ندید اما دل او قد یک کوه بزرگ بود. شب‌ها با خیال مدال طلا می‌خوابید. سیمون بالازالگوی او بود. اما تارا می‌خواست برای ایران افتخار بیابد. دست خط کودکانه او هنوز هست. کلمه به کلمه آن عطر غربت می‌دهد. نوشته بود من دختر ایرانی هستم و مدال می‌آورم برای کشور خودم. چه کسی فکر می‌کرد سکوی قهرمانی تارا بشود آوار برج ارکیدۀ؟ چه کسی فکر می‌کرد آن همه شور و شوق زیر بتن سرد له شود؟

لحنت به آن شب. لعنت به ۲۳ خرداد ۱۴۰۴. تاریکی شب بود که گفتار حرام زاده صهیونیست آتش ریخت روی سر مردم بی‌دفاع. در همان جنگ ۱۲روزه تحصیلی که قلب همه ما را خون کرد. عمو اسماعیل با چشم پراز اشک آن شب شوم را روایت می‌کند. می‌گوید داخل خانه بودیم. صدایی وحشتناک آمد. پنجره‌ها ازیند. اول فکر کردیم رعد و برق است. تهران! کدام بار چنین آتش می‌بارد؟ چند لحظه بعد تلفن زنگ خورد. ۱۲ساعت تها نبود. برادر اسماعیل. صدای او می‌لرزید. گفت بپاچه شدم. ساختمان ما را زدند. همین چند کلمه و بعد سکوت مطلق. خط قطع شد و دنیا روی سر اسماعیل خراب شد. او سراسیمه دوید سمت محل حادثه. رسید آنجا. برج ارکیدۀ دیگر برج نبود. تپه خاک و آهن بود. دود و باروت نفس را می‌برید. تارای ۱۲ساله تنها نبود. ابراهیم و زهرا هم زیر آن خروار خاک بودند. تاریکی بود و وحشت. امدادگرها می‌دویدند. اسماعیل میان ویرانه‌ها می‌گشت. زمین را چنگ می‌زد. اول پیکر سوخته برادرزاده پیدا شد. صورت تارا سوخته بود. دختری که می‌خواست قهرمان شود حالا پیکری جان او میان دست عمو بود. جیب از استخوان آدم درمی‌آید تهران. کمی بعد پیکر زهرا مادر تارا هم پیدا شد. اما ابراهیم نبود. فقط زور جاک کشدن. هشت روز چشم انتظار پای آوار. هشت روز طول کشید تا پیکر ابراهیم از زیر آوار بیرون آمد. عمو یادغام می‌گوید بزرگ‌ترین داغ دنیا بود. سه عزیز با هم رفتند. روز تشییع اسماعیل نمی‌دانست زیر کدام تابوت بیرون. زیر تابوت برادری با همسر برادری را برادرزاده؟ سخت‌ترین امتحان الهی بود. زانوی آدم تا می‌شود زیر این بار غم.

این خانواده با شهادت بیگانه نبودند. شهادت در ریشه این درخت بود. ابراهیم پدر تارا مرد روزهای سخت بود. نیروی داوطلب جنگ تحصیلی بود. روزگاری که شهر پر از خطر بود و سینه سپر کرد. ابتیارگر بود. همیشه می‌گفت من برای کشور خودم به جنگ رفتم. فقط سربلندی ایران را می‌خواهم. می‌گفت مگر برای آوار چیز دیگری افتد؟ او مرد عمل بود. زهرا مادر تارا هم یادگار شهید بود. او فرزند شهید قنبررضا بود. خون شهید در رگ او بود. او با مفهوم فداکاری بزرگ شده بود. تقدیر این بود تهران. این خانواده ابتیارگر باید با هم پی می‌کشیدند. با هم رفتند تا روی این خاک سایه‌شغال نشینند. تا من و تو راحت قدم بزنیم. حالا نور خانه عمو اسماعیل. لباس کوچک ورزشی تارا روی دیوار آویزان است. یک یادگاری تلخ از آرزوهای ناتمام. اما رویای تارا زیر آن آوار مدفون نماند. خون او جوانه زد. ابراهیم همیشه به برادر خود می‌گفت دخترت را ببر کلاس ژیمناستیک. تارا هم دخترعموی خود را تشویق می‌کرد. حالا عمو اسماعیل عهد بسته است. یک عهد محکم که مهربن آدم سیخ می‌شود. می‌گوید هر چه دارم می‌گذارم تا دختر خودم قهرمان شود. می‌گوید باید دخترم بیرون روی سکوی قهرمانی و عکس دخترعموی شهید خود را بالا ببرد.

این یعنی مقاومت ادامه دارد. این یعنی زندگی متوقف نمی‌شود.

تهران جان این‌ها را خوب گوش کن. ما به دشمن ثابت می‌کنیم ورزش ایران پر از تارا است. ما جان می‌دهیم اما خاک نمی‌دهیم. دشمن فکر می‌کند با موشک زدن کار تمام می‌شود. کور خوانده‌اند. این خون‌ها صافه می‌شود روی سر تاریخ. رژیم کودک‌کش صهیونیست نابود می‌شود. این وعده حق است. خون تارا پایه‌های تخت ظلم آنها را می‌لرزاند. دخترک ما مدال خود را از دست خدا گرفت. نام او دور از هیاهوی جنگ برای همیشه در آسمان افتخار ایران جودانه شد. من اینجا روی خاک قطعه شهدا نشستم. سر انگشت من از نوشتن این مرثیه درد می‌کند. اما قلم مشمیر من است. گذر عمر بی‌رحم است. آدم‌ها زود فراموش می‌کنند. وقتی ماشین‌های مدل بالا از اتوبان همت رد می‌شوند نباید یادشان بیرون چه جان‌های نابی زیر این خاک خفته‌اند. ابراهیم رفت. زهرا رفت. تارا سوخت تا روی پا بمانی. تا این خاک دست بیگانه نیفتد. اینها زغال نشدند که عاوش شوند. اینها ستاره شدند در شب تاریک ما تا راه گم نشود. اما انتظار خوبی باش تهران. آدمی به غیرت زنده است. غیرت یعنی همین خون‌ها که پای این خاک ریخت.



آسیب‌شناسی رکود نوآوری در هنر مقاومت معاصر

قحطی روایت

نبرد امروز پیش از آنکه در میدان‌های واقعی رقم بخورد، در سپهر روایت‌ها و قاب‌های تصویری به اوج می‌رسد؛ جایی که برنده نه صاحب بیشترین تسلیحات، بلکه راوی خلاّق‌تر و مسلط‌تر به زبان اثرگذار است. با این حال، هنر مقاومت گاه در تکرار فرم‌های منسوخ و زبان‌های قدیمی گرفتار شده و در مواجهه با هژمونی رسانه‌ای غرب، در انتقال عمق ترازدی‌ها و حماسه‌های انسانی دچار لکنت شده است. مسئله اینجاست که چالش تسخیر افکار عمومی، نه کمبود سوز، بلکه ضرورت گذار از شعارزدگی به سمت بیانی جهانی و درک قواعد نوین روایت‌گری است. خوشبختانه، تجارب ساختار شکنانه اخیر تأیید کرده‌اند هرگاه هنرمند با جسارت به سراغ فرم‌های پیشرو رفته و ابعاد ناگفته رنج و ایستادگی را در بستری هنری بازخوانی کرده، آثاری مرزگشا و مانا متولد شده‌اند. این گزارش، واکاوی مسیر عبور از کلیشه‌های زیباشناختی و بازخوانی جرقه‌هایی است که معادله تصویر را به نفع حقیقت دگرگون کردند.

وقتی صدای آژیر خطر در شهر می‌پیچد و بوی باروت اخبار، فضای رسانه‌ها را پر می‌کند، هر کس سلاحی برمی‌دارد و در گوشه‌ای از این جبهه وسیع می‌ایستد. یکی تفنگ به دست می‌گیرد، دیگری لنز دوربینش را تنظیم می‌کند و در این میان، هنرمندی است که رسانتش ثبت جاودانه حقیقت در کالبد فرم، رنگ و تصویر است. سال‌هاست که حماسه‌ها در میدان رخ می‌دهند، اسطوره‌ها بر خاک می‌افتند و تاریخ در زیر ضربات سهمگین مقاومت ورق می‌خورد، اما درست در نقطه‌ای که باید این حجم از ایثار، درد و شکوه درآیند هنر بازتاب یابد، با تکرار مکررات و قحطی ایده‌های خلاّقانه مواجه می‌شویم. چرا هنر مقاومت در سینما، هنرهای تجسمی، عکاسی و تصویرسازی، با وجود این همه سوز و تکان دهنده، کمتر توانسته به بیانی جهانی و تأثیرگذار برسد؟ این گزارش، سفری تحلیلی به ریشه‌های این ایستایی و تماشای جرقه‌های درخشانی است که مسیر نوآوری را پیش پای ما روشن کرده‌اند.

در جهان امروز، هیچ جنگی پیش از پیروزی در میدان تصویر روایت به سرانجام نمی‌رسد. هژمونی رسانه‌ای غرب و ماشین تبلیغاتی صهیونیسم، سال‌هاست با پیچیده‌ترین شیوه‌های هنری و با استفاده از روان‌شناسی بصری، باطل‌ترین روایت‌ها را در قالب‌های جذاب به افکار عمومی تحمیل می‌کنند. در مقابل، جبهه مقاومت که سرشار از حقانیت عریان، عاطفه انسانی و اسطوره‌های واقعی است، اغلب در مرحله بازنمایی هنری دچار لکنت می‌شود. بزرگ‌ترین آفت هنر مقاومت در دهه‌های اخیر، افتادن در دام سفارش‌های اداری، نمادگرایی‌های گل درشت و فرم‌های پوسیده بوده است. کورتان خوین‌بال، پلاک‌های تکراری و به میدان آمده، شاهکاری خلق شده که مرزها را درنوردیده است. خط مقدم نمی‌تواند نبض احساسات نسل نو را در دست بگیرد. هنر مقاومت زمانی شکست می‌خورد که به جای روایت انسان و رنج‌هایش، به بیانیه‌های اداری و پوسته‌های تقویمی تنزل یابد. با این حال، هر زمان که هنرمندی از حصار کلیشه‌ها بیرون زده و با جسارت فرمی به میدان آمده، شاهکاری خلق شده که مرزها را درنوردید است.

خط مقدم روی بوم سفید

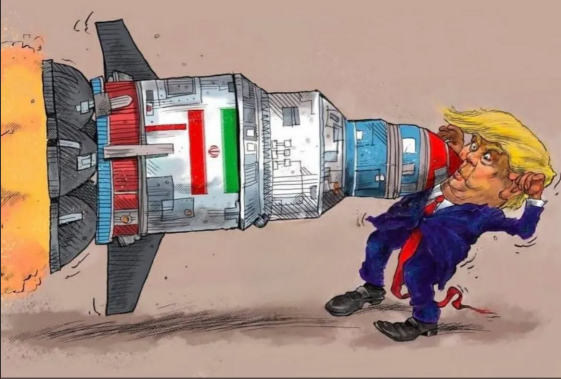
در میان انبوه آثاری که در راهروهای نی‌رمق نهاده‌ها تولید می‌شوند، تک‌خال‌هایی وجود دارند که هنر را به مثابه سلاحی در خط مقدم نبرد فهمیده‌اند. سیدمسعود شجاعی طباطبایی، کارتنونی است نام‌اشنا، از نخستین سپیده دم آغاز جنگ ۴۰روزه، عهدی ناوخته با خود بست؛ نثری از جنس تعهد و بی‌پروایی بصری. او تصمیم گرفت تا زمانی که آتش این معرکه برپاست، هر روز دست‌کم یک کاریکاتور خلق کند تا راوی صادق پشت‌دره‌های این تقابل باشد. قلم نوری خود روی صفحه دیجیتال می‌لغزد و از دل تاریکی، خطوطی متولد می‌شوند که زهرخندی تلخ بر چهره مستکبران می‌نشانند. شجاعی طباطبایی زبان کارتون‌هایش را بر این افشاگری می‌داند. او چهره‌هایی چون دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو را به عنوان نماد‌های جنایت و فروپاشی به سخره می‌گیرد. یکی از ایرال‌ترین آثار او، ترامپ را به شکل گاوای زخمی با شاخ شکسته و پائسمان‌شده به تصویر کشید؛ اثری که از لکه‌های بدن گاو به عنوان نشانه جهان استفاده کرده بود و بازتاب‌های گسترده‌ای در میان هنرمندان آمریکای لاتین و اروپا یافت. در اثری دیگر، ترامپ درمانده با پرچم کوچکی از آمریکا در برابر ازدهای چین ایستاده بود و با طنزی گزنده مشخص شده بود که همان پرچم کوچک هم ساخت چین است. این کارها مرزهای فیسیوک و رسانه‌های بین‌المللی را درنوردیدند، زیرا زبان هنر بین‌المللی را بلد بودند. شجاعی طباطبایی در دل شب‌های قم، کارگاهی تعاملی با جوانان و نوجوانان برپا کرد تا آموخته‌هایش را منتقل کند. نقطه عطف آثار او، واکاش به مظلومیت غیرنظامیان و کودکان بود؛ اثری که برای شهادهای مرغان کار کرد، با چنان عاطفه و رنجی آمیخته بود که حتی آیتنا کنز، کارتونست سرشناس کانادایی را وادار به واکنش و ادای احترام کرد. شجاعی نشان داد اگر طنز و گرافیک با تکنیک روز و درک عمیق سیاسی همراه شود، تا قلب اردوگاه دشمن نفوذ می‌کند.

جسارت فرمی در کالبدشکافی فاجعه

نمونه درخشان دیگری از خلاّقیت که فرم را فدای شعار نکرد و درست به همین دلیل بر جان نشست، اینستالیشن شهری «چشمان میناب» در میدان تجریش تهران بود. فاجعه مدرسه شجره طیبه میناب، در ساعی رخ داد که کلاس‌ها غرق در هیاهوی معصومانه کودکان بود. حمله موشکی در دو نوبت، مدرسه و سپس نمازخانه‌ای را که دانش‌آموزان به آن پناه برده بودند با خاک یکسان کرد. در آن فضای مهیّب، مهران پندار و علی نقی نجرابی پور، دو هنرمند نغذ غوغا شدند. از دل پرورنده‌های خاکی آموزش و هوش پرورش، عکس‌های کم‌کیفیت هفت‌سالگی کودکان را بیرون کشیدند و با تلاش شبانه‌روزی و تلفیق ابزارهای دیجیتال و هوش مصنوعی، چهره‌ها را احیا کردند. این تصاویر وقتی به پایتخت رسید، به دست رضا گلپایگانی و عباس نادران سپرده شد. گلپایگانی به جای بازتولید یک پوستر ترجم‌بر انگیز و کلیشه‌ای، دست به اقدامی ساختار شکنانه زد. او صورت‌ها را تکه‌تکه کرد، اجزای چهره‌ها با فاصله‌هایی معادار چایبه‌جا شدند، اما چشم‌ها در سر جای اصلی خود دست‌نخورده باقی ماندند تا مستقیماً به چشم مخاطب زل بزنند. این کار بدون پرچم‌های سیاسی، بدون المان‌های تزیینی و در عریان‌ترین حالت ممکن، مفهوم قطعه‌قطعه شدن کودکان زیر آوار را به فرم بصری تبدیل کرد. «چشمان میناب» به مخاطب تهرانی فرصت داد تا در مرکز شلوغی شهر، تلخی هولناک جنگ و داغ جنوب را با تمام وجود لمس کند. این همان خلاّقیتی است که از دل واقعیت برمی‌خیزد و نیازی به اضافه‌گویی ندارد.

از بوم‌های تعاملی تا نمایشگاه‌های زنده

خلاّقیت در هنر مقاومت به فضاهای شهری و رسانه‌های مجازی محدود نماند؛ تجربه نقاشی تعاملی تمال امام شهید در جوار قطعه ۴۲ گلزار شهدای بهشت زهرا (س) تهران نیز گامی نو در حوزه هنر مشارکتی بود. این اثر هنری، انحصار خلق را از دست هنرمند منفرّد خارج کرد و آن را به میان توده‌های مردم کشاند. مادران شهدا، کودکان، سالمندان و رهگذاران با رنگ و قلم‌مو در تکمیل اثر سهیم شدند، فرمی که نشان داد هنر مقاومت می‌تواند آیین همبستگی ملی باشد و پیوندی ناگسستنی میان مردم و اسطوره‌هایشان برقرار سازد. همچنین رویدادها و نمایشگاه‌های تجسمی که توسط مجموعه‌هایی چون «هیات هنر» سازمان‌دهی شدند، نشان دادند که تلفیق سنت‌های آیینی با هنر معاصر، چیدمان مفهومی و پرفورمنس، تا چه اندازه می‌تواند نسل جوان را درگیر کند. در این نمایشگاه‌ها، مخاطب صرفاً یک بیننده منفعل نبود، بلکه با ورود به اتمسفر اثر، بخشی از روایت مقاومت می‌شد. این تجربیات نشان می‌دهند که ظرفیت خلاّقیت وجود دارد، اما چرا این جرقه‌ها به جریانی مستمر و فراگیر تبدیل نمی‌شوند؟



روایت «موشک ایرانی» در نخستین شماره «آورد» منتشر شد



هنرمند و به همت کارگروه روزنامه‌نگاری اندیشه پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم (ع) منتشر شده است.

«آورد» با انتخاب موضوع «موشک ایرانی» در نخستین شماره خود، تلاش کرده یکی از نمونه‌های مسیر پیشرفت فناوریانه ایران را در قالب مجموعه‌ای میان‌رشته‌ای روایت کند؛ روایتی که در آن فناوری، در پیوند با انسان، فرهنگ، تاریخ و اندیشه بررسی می‌شود. این کتاب مجله‌اکنون منتشر شده و علاقمندان می‌توانند برای تهیه آن به فروشگاه ناشر مراجعه کنند.

خروجی جنگ ۱۲روزه کجاست؟
روی دیگر سکه اما حکایت از رهاشدگی و مدیریت‌های بی‌سرانجام دارد. به عنوان نمونه، در ماجرای جنگ ۱۲روزه، با شور و هیاهوی بسیار خراز تولید مجمو‌ه‌ای داستانی و مستند داده شد. گروه تولید وارد میدان شدند، دوربین‌ها در همان لوکیشن‌های آسیب‌دیده و مناطقی که اصابت‌ها رخ داده بود مستقر شدند و همه چیز نوبدبخش یک خروجی درخشان بود. اما در نهایت به دلیل سوءمدیریت، فقدان برنامه‌ریزی منسجم و پاسکاری میان نهادهای متولی، پروژه نیمه‌کاره رها شد و هیچ اثر ملموسی به دست مخاطب نرسید. این رهاشدگی نشان می‌دهد که بحران هنر مقاومت تنها در فقدان ایده نیست، بلکه در ساختار ناکارآمدی است که فرصت‌ها را به راحتی می‌سوزاند.

- افتادن در دام سفارش‌های اداری و کلیشه‌های بصری:** وقتی تولید اثر دل هنری از دل جوشش درونی و زیست واقعی هنرمند به پروژه‌های سازمانی تنزل می‌یابد، نخستین قربانی، خلاّقیت است. نظرات‌های سلیقه‌ای و غیرتخصصی، جسارت تجربه‌فرم‌های نو را از هنرمند می‌گیرد و در نتیجه، خروجی کار چیزی جز آثاری خنثی و تکراری نخواهد بود.
- هراس از فرم نو و تجربی:** سال‌هاست که ساختارهای رسمی نسبی به قالب‌های نوین هنری مانند هنر مفهومی، پرفورمنس، ویدیوآرت و روایت‌های غیرخطی در سینما با سوءظن نگاه می‌کنند. گمان می‌رود پیام حتماً باید به صورت عریان و مستقیم فریاد زده شود، درحالی که زبان هنرمدرن، زبان ایماژ، نمادهای غیرمستقیم و ایجاد پرسش در ذهن مخاطب است.
- غفلت از بعد انسانی و دراماتیک مقاومت:** آثار تولیدشده اغلب بر ادوات نظامی، شعارها و انتزاعیات تمرکز دارند و انسان، با تمام عواطف، ترس‌ها، امیدها و رنج‌هایش، در این میان غایب است. وقتی انسان از مرکز قاب حذف شود، مخاطب جهانی نمی‌تواند با اثر همذات‌پنداری کند. ماندگاری آثاری چون «چشمان میناب» دقیقاً به دلیل تمرکز بر چشم‌های معصوم انسان‌ها و داغ نامانگان بود، نه نمایش موشک‌ها و تجهیزات.
- واکنش‌های انفعالی و موسمی:** مدیران فرهنگی تنها زمانی به یاد تولید اثر می‌افتند که بحرانی رخ داده باشد. این شتاب‌زدگی با عث می‌شود آثاری سرهم‌بندی‌شده، بدون پژوهش عمیق و با ضعف‌های شدید تکنیکی تولید شوند، آثاری که با پایان یافتن تب اخبار، بلافاصله فراموش می‌شوند

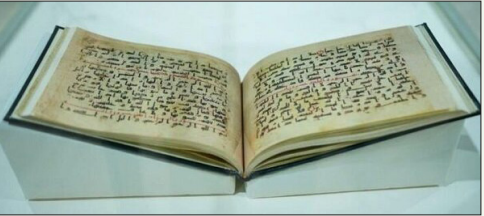
بازگشت به اصالت و جسارت

جبهه مقاومت نیازمند یک رسناس زیباشناختی است. تا زمانی که میدان به هنرمندان جسور، خلاق و مستقل سپرده نشود و تا وقتی که نگاه‌های بسته‌اداری جای خود را به درک عمیق از ماهیت فرم و روایت ندهند، هنر ما در مرزهای شعار متوقف خواهد ماند. نمونه‌هایی مانند کاریکاتورهای شجاعی طباطبایی، اینستالیشن «چشمان میناب» و تجربیات هیات هنر اثبات کردند که خاک مقاومت برای زایش شاهکارهای هنری بیش از هر زمین دیگری حاصلخیزتر است. تنها باید جسارت به خرج داد، فرم‌های منسوخ را کنار گذاشت، دست از خودسانسوری کشید و اجازه داد تا حقیقت عریان این حماسه‌ها در زلال فرم‌های ناب و ماندگار جلوه‌گر شود. تاریخ منتظر تعارفات ما نمی‌ماند؛ اگر ما حماسه‌هایمان را با زبان روز هنر ننویسیم، دشمن تاریخ را با دروغ‌های بزک‌شده خود بازنویسی خواهد کرد.

نمایش قرآن کریم منسوب به امیرالمومنین (ع) در نمایشگاه کتاب بغداد

غرفه بخش امور فکری و فرهنگی آستان مقدس علوی در بیست‌وهفتمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب بغداد، با استقبال گسترده‌ای از سوی خوانندگان، پژوهشگران و بازدیدکنندگان نمایشگاه مواجه شد.

در این میان، نسخه تصویری قرآن کریم منسوب به امیرالمومنین (علی ع) بیش از سایر آثار مورد توجه و استقبال بازدیدکنندگان قرار گرفت. این نسخه از جمله میراثی نادر و ارزشمند به شمار می‌آید و در پایان آن، عبارت زیر درج شده است: «این نسخه را حضرت علی بن ابی‌طالب در سال هجلم بعثت نگاشته است.» وجود این عبارت، بر اهمیت تاریخی و میراثی این نسخه افزوده و آن را به یکی از آثار مورد توجه بازدیدکنندگان غرفه تبدیل کرده است، به‌ویژه برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به نسخه‌های خطی و میراث قرآنی و اسلامی است.



معمای نیم‌قرن اجتناب از جهان داستانی جلال آل احمد

تندیس‌های لال و صداهای گریزان

زهرا بذرافکن - خبرنگار گروه فرهنگ: تقویم فرهنگ در میانه شهریور با نام مردی گره می‌خورد که

بیش از هر نویسنده دیگری در تاریخ معاصر ما، میدان مناقشه، شیفتگی و خصومت بوده است. هجدهم شهریور، سالروز درگذشت جلال آل‌احمد در انزوای بارانی اسلام، همواره مجالی تکراری برای یادبودهای این شخصیت بوده. در همین بازه زمانی اخبار پایان نگارش فیلم‌نامه و ورود رمان «مدیر مدرسه» به مرحله پیش تولید در مرکز سیما فیلم منتشر شد. در وهله نخست، شاید این خبر پاسخی دیر هنگام به دهه‌ها حسرت ناشی از پیوند نخوردن ادبیات جدی با سینما تلقی شود؛ اما انتشار آن با برخی سوءظن‌ها و هشدارهای جدی روبه‌رو بود.

محمد حسین دانایی، پژوهشگر میراث آل‌احمد و خواهرزاده او، همراه با شماری از صاحب‌نظران دیگر، بی‌درنگ انگشت بر تناقض بنیادین این تصمیم گذاشتند. هشدار آنان روشن و بنیادین بود؛ «مدیر مدرسه» روایتی شیرین یا خاطره‌انگیز از کشمکش‌های چند آموزگار ساده، بازیگوشی محصلان و بخاری دوده‌گرفته یک دبستان نوپنهاد در دامنه‌های کوچه‌ای نیست. این شاهکار، گزارش کالبدشکافانه و تلخی‌است از فرسایش تدریجی آرمان‌خواهی، مسخ شدن اخلاق در چرخ‌دنده‌های نظام اداری و بن‌بست محتوم روشنفکری است که گمان می‌کرد با خریدن به کنجی دورافتاده، دست‌کم این فردی‌اش را از تپانی با قدرت نجات خواهد داد. تقلیل دادن چنین درونمایه دردانگیزی به یک ملودرام بی‌خطر برای سرگرمی عصرگاهی، خیانت به روح سرکش آل‌احمد و جهان فکری او خواهد بود.

تصویرهایی که دیگران ساختند و چراغی که بر آثار جلال خاموش ماند برای ادراک این شگفتی، باید به تاریخچه موج نوی سینمای ایران نگاه کرد؛ سینمایی که درست در بستر پیوند با ادبیات متعهد و مدرن دهه‌های ۴۰ و ۵۰ متولد شد و بالید. هم عصران جلال، صحنه‌ها و پرده‌ها را یکی پس از دیگری فتح کردند. غلامحسین ساعدی با نثری گزنده و جهان و هم‌آلودش، به یاری نبوغ داریوش مهرجویی آمد تا «گاو» و «دایره مینا» در تاریخ سینما ثبت شوند و متن جسورانه «آرامش در حضور دیگران» را به ناصر تقوایی سپرد تا یک زوال روانی را به تماشا بگذارد. هوشنگ گلشیری با معماری زبان و هندسه دقیق روایی‌اش، جوهره فیلم‌های درخشان بهمن فرمان‌آرا یعنی «شازده احتجاب» و «سایه‌های بلند باد» را پی‌ریزی کرد. صادق چوبک با رمان «تنگسیر» به داستان امیر نادری سپرده شد تا عصیان فردی علیه استبداد و تپانی اشرافیت، پرده نفروای را شعله‌ور کند و حتی رمان «سووشون» سیمین دانشور نیز در سال‌های اخیر به کانون پروژه‌های بزرگ نمایشی راه یافت.

تنها غایب بزرگ، مطلق و بهت‌آور این پیوند تاریخی، جلال آل‌احمد بود. نویسنده‌ای که شمارگان کتاب‌هایش پیوسته رکورد می‌شکست، مقاله‌هایش فضای عمومی را درگروگن می‌کرد و نامش در صدر جدال‌های روشنفکری قرار داشت، هیچ‌گاه بر پرده سینما نقش نیست. این غیبت ۵۰ ساله هرگز یک تصادف یا بی‌میلی ساده نبود، بلکه ریشه در گریه‌روانی و ساختاری داشت. کوبی ساختارهای رسمی، ناخودآگاه پی برده بودند که اگر مشعل روایت‌های ناآرام آل‌احمد بر پرده بتابد، مرزهای محافظه‌کاری و آسودگی را ویران خواهد کرد.

اما چرا نام جلال آل‌احمد در طول تمام این دهه‌ها بر پیشانی هیچ اثر سینمایی یا تلویزیونی ندرخشید؟ پاسخ این پرسش در دوگانگی جبهه فرهنگی وقت نهفته

است. در سال‌های پیش از انقلاب، محافل سینمایی که عمدتاً زیر سیطره تفکرات چپ مارکسیستی یا روشنفکری وابسته به غرب قرار داشتند، جلال را به جرم بازگشت به سنت‌های بومی، پیوند با فرهنگ دینی و نقد صریح غرب‌زدگی بایکوت کرده بودند. روشنفکری سکولار نمی‌توانست نویسنده‌ای را ببخشد که با نگارش «غرب‌زدگی» و «خدمت و خیانت روشنفکران»، توهم ترقی‌خواهی غرب‌گرایانه را درهم شکست. از سوی دیگر، دستگاه فرهنگی پهلوی نیز از بازتاب تصویر واقعی فقر، ناکارآمدی و فساد ریشه‌دار اداری که در تک‌تک سطور داستان‌های جلال نبض می‌زد، وحشت داشت. نتیجه این بایکوت دوجانبه، غیبت طولانی‌مدت آثار داستانی جلال از پرده نقره‌ای بود.

ریشه‌های ماندگاری در متن و موانع انتقال به زبان تصویر

واکاوی دلایل اقتباس ناپذیری داستان‌های جلال آل‌احمد را باید در دو لایه محتوایی و فرمال جست‌وجو کرد. در ساحت محتوایی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جلال همواره به درستی در جایگاه یکی از ارکان مقاومت فرهنگی و پیشگام نظریه‌پردازی علیه سلطه بیگانه تکریم شد. معتبرترین جایزه ملی ادبی کشور به نام او نام‌گذاری شد و دیدگاه‌های تمدنی‌اش در کتاب «غرب‌زدگی» بارها بازخوانی شد. اما همین درخشش در حوزه مقاله‌نویسی و نظریه‌پردازی فرهنگی، به شکلی ناخواسته سایه‌ای سنگین بر بعد داستانی او انداخت. مدیران فرهنگی و برنامه‌سازان اغلب جلال را خطیبی مبارز می‌شناختند و از ظرافت‌های روان‌شناختی، درام موقعیت و نبوغ شخصیت‌پردازی او در آثاری چون «زن زیادی»، «ازرنجی که می‌بریم» و «مدیر مدرسه» غافل ماندند.

در ساحت فرم و ساختار نیز آثار جلال چالش بزرگی پیش پای درام‌نویسان می‌گذارد. جلال در قصه‌نویسی پیرو ساختارهای کلاسیک حاد‌ته محور نیست؛ او استاد بی‌بدیل لحن است. نثر او شتابان، تلگرافی، منقطع و سرشاز از تک‌گویی‌های افشاگرانه‌روای اول شخص است. در متنی مانند «مدیر مدرسه»، کشمکش درام نه در رویدادهای بیرونی پرطمطراق، بلکه در روح رنج‌کشیده معلمی جریان دارد که شاهد فروپاشی اخلاق، تسلیم شدن آموزگاران در برابر تنگ‌ستی و تبعیض سیستماتیک‌نهاد آموزش است. تبدیل این لحن کوپنده‌درونی به کنش‌های بصری و دیالوگ‌های پرتحرک، بدون افتادن در ورطه شعارزدگی و خودمذکی، محکی بسیار سخت برای هر ستارپرست حرفه‌ای است.

آینه‌های عبرت در تاریخ ادبیات جهانی

این انزوای تصویری تنها مختص جلال آل‌احمد نیست؛ در گستره تاریخ ادبیات جهان

نیز نویسندگانی که صدای وجدان بیدار و منتقد تندیس‌های پوشالی بوده‌اند، همواره فرآیندی دشوار را برای اهیابی به قاب تصویر طی کرده‌اند. در چین معاصر، لو شون، نویسنده انقلابی و پایه‌گذار ادبیات نوین این سرزمین، سرنوشتی بسیار شبیه به جلال داشت. او نیز همچون جلال، نماد نبرد با بروکراسی فرسوده، رخوت فرهنگی و نفوذ استعمار شناخته می‌شد؛ حزب حاکم از او تجلیل‌های شایانی به عمل آورد. اما وقتی نوبت به اقتباس سینمایی از آثار مهمی چون «داستان واقعی آکیو» رسید، سازمانگار سال‌ها در انتقال نقد تند و طنز سیاه او علیه رکود جامعه دچار لکنت و محافظه‌کاری بودند.

در ادبیات آمریکا نیز چیمز بالدوین، نویسنده مبارز ضد تبعیض نژادی، نمادی از این تعارض به شمار می‌رود. بالدوین منتقدی آشتی‌ناپذیر علیه فساد ساختاری، بیگانگی انسان معاصر و نژادپرستی سازمان یافته بود. سینمای تجاری هالیوود چندین دهه از پدرش ساختار مقاله‌گونه و لحن حماسی و معترض‌آثاری نظیر «آتش بعدی» سرراز کرد؛ چراکه خشم مقدس و بینش اصیل بالدوین با ساختارهای خنثی و مصرفی بازار تصویر سازگاری نداشت. چنین نویسنده‌گانی آموزگاران حقیقت بودند؛ نویسنده‌گانی متعهد که کلمات شان در برابر پاستوریزه شدن مقاومت می‌کرد و سینما تا زمانی که آماده پذیرش حقایق تلخ نمی‌شد، توان میزبانی از آنان را نداشت.

شجاعت رویارویی، با هراس از حقیقت یک روشنفکر

اکنون ورود عوامل تولید به دبستان همبر مدرسه»، این اثر را در آزمون تاریخی قرار داده است. آیا مرکز سیما فیلم شجاعت نشان دادن بن‌بست ویرانگرمان را خواهد داشت؟ زمانی که نقطه اوجش فرار مدیر خسته از بروکراسی تنوع‌آور و نوشتن استعفا نامه‌ای سرخورده بر پشت برگه احضاریه دادگستری است یا اینکه قرار است روایتی با سیمه‌ای و پاکیزه از سازش قهرمان، اصلاح سیستم و بازگشت امید صنعتی ساخته شود تا مبادا گزندگی نقد جلال به کسی بر بخورد؟ پرسش نهایی این نیست که آیا ساخت این مجموعه تلویزیونی محقق می‌شود یا خیر، پرسش حقیقی این است که آیا جامعه فرهنگی و رسانه ملی ما ظرفیت شنیدن صدای بی‌پروای جلال را دارند یا همچنان مایلند او را در قایب ایمن از جواز نیز نقدی و تصاویر اتو کشیده نگه دارند؟ آل‌احمد زمانی زنده است که راهی خستگی‌ها، تناقض‌ها و تلخی‌های زمانه خود باشد. پیوست یک پایان از آرامش بخش به متنی که جوهره‌اش عصیان علیه بی‌عدالتی است، تحصیل مرگی دوباره بر نویسنده‌ای خواهد بود که قلمش را تنها به شرط خروشیدن بر رخوت زمانه به دست می‌گرفت.

در آستانه روز سینما

اصفهان میزبان جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان شد

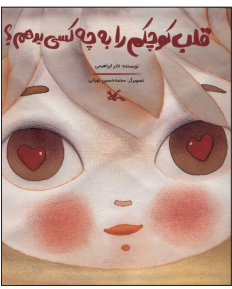


و معتبر سینمای کودک در منطقه دانست و گفت؛ جشنواره کودک سرمایه‌ای برای سینمای ایران است و حفظ و ارتقای اعتبار آن، مسئولیتی است که باید با جدیت دنبال شود. وی ادامه داد: حضور جشنواره در اصفهان و همراهی جدی استانداری و مدیریت شهری، ظرفیت ارزشمندی برای برگزاری موفق این دوره فراهم کرده است و امیدواریم با همکاری همه بخش‌ها، دوره سی‌وهشتم بتواند هم از نظر کیفیت آثار و هم در حوزه برنامه‌های فرهنگی و ارتباط با مخاطبان کودک و نوجوان، دوره‌ای قابل توجه باشد. رئیس سازمان سینمایی همچنین بر ضرورت تقویت جایگاه ملی و بین‌المللی جشنواره و بهره‌گیری از ظرفیت آن برای توسعه سینمای کودک و نوجوان تأکید کرد.

ظرفیت‌های شهری اصفهان در اختیار جشنواره است

علی قاسم‌زاده، شهردار اصفهان نیز با تأکید بر آمادگی مدیریت شهری برای همراهی با سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان بیان کرد: ظرفیت‌های شهری اصفهان در حوزه‌های اجرایی، فرهنگی و تبلیغاتی

قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟



کتابی از آثار پیشین زنده یاد نادر ابراهیمی، نویسنده و فیلم‌ساز صاحب‌نام با عنوان «قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟» به تازگی از سوی کانون پرورش فکری برای کودکان منتشر شده است. به گزارش «آگاه» این کتاب که به ستایش مهربانی و دوست داشتن دیگران می‌پردازد سال‌ها پیش از سوی نشر همگام با کودکان و

نوجوانان منتشر شده بود. انتشاراتی که این نویسنده آن را برپا کرد اما پس از چندین سال فعالیت در حوزه نشر و پژوهش به فعالیتش ادامه نداد. نادر ابراهیمی، نویسنده، فیلم‌ساز، ترانه‌سرا، مترجم و روزنامه‌نگار صاحب‌نام روز ۱۶ خرداد ۱۳۸۷ در سن ۷۲ سالگی دارفانی را وداع گفت در حالی که کارنامه‌ای پربار شامل بر نگارش بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب و انتشار دیگر آثار سینمایی و ادبی از او برجای مانده است.

کانون پرورش فکری در سال‌های حیات این نویسنده شهر کتاب‌هایی همچون «عبدالزاق پهلوان»، «پهلوان پهلوانان»، «کلاغ‌ها»، «بزی که گم شد» و «قصه گل‌های قالی» به قلم او در سال‌های مختلف منتشر کرد و در سال ۱۴۰۲ – یعنی ۱۵ سال پس از درگذشتش – نیز ۶ اثر دیگر او را به کودکان و نوجوانان ایرانی عرضه کرد. اکنون در هجدهمین سالگرد درگذشت این نویسنده، کتاب دیگر او با عنوان «قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟» برای گروه سنی بالای هفت سال با تصویرگری محمدحسین تهرانی این بار از

سوی کانون منتشر شده است. «...قلب مهمان خانه نیست که آدم‌ها بیایند، دو سه ساعت یا دو سه روز توی آن بمانند و بعد بروند. قلب لانه گنجشک نیست که در بهار ساخته بشود و در پاییز باد آن را با خودش ببرد. قلب، راستش، نمی‌داند چیست؛ اما این را می‌داند که فقط جای آدم‌های خیلی خیلی خوب است، برای همیشه...»

این کتاب که در سال ۱۳۷۲ دیپلم افتخار نخستین نمایشگاه بین‌المللی تصویرگران کتاب کودک را دریافت کرده بود، اکنون در ۲۴ صفحه رنگی و با شمارگان یک‌هزار نسخه از سوی انتشارات کانون منتشر شده است.

یادآوری می‌شود کتاب‌های «قصه دو کبوتر»، «قصه زندگی یک برگ»، «پنجره‌های دنیای کوچک من»، «ما زمینی‌های این آب و خاکیم»، «یک گوشه ساکت جنگل» و «این باب بزرگ باور نکردنی» عنوان ۶ کتاب دیگر زنده‌یاد نادر ابراهیمی است که بهمن سال ۱۴۰۵ از سوی کانون منتشر شد.

«خواب» رضا عطاران پروانه نمایش گرفت



شورای بازنیتی فیلم‌های سینمایی با صدور پروانه نمایش چهار فیلم موافقت کرد. به گزارش «آگاه» از اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، فیلم‌های «رقص باد» به تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری و کارگردانی سید جواد حسینی و «خواب» به تهیه‌کنندگی امیرحسین حیدری و کارگردانی مانی معماری‌مقدم پروانه نمایش گرفتند. رضا عطاران، علی مصفا، مریملا زارعی، هدی‌زین‌العابدین و کاظم سیاحی در فیلم «خواب» ایفای نقش کرده‌اند. همچنین «جادوی عروسک‌ها» به تهیه‌کنندگی مهدی مولوی و کارگردانی سعید عباسی و «عروس چشمه» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی فریدون نجفی‌حاجی‌پور موافقت شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی را کسب کردند.

آقاخان‌ی سرپرست اداره ارزشیابی و نظارت بر نمایش شد



مدیرکل هنرهای نمایشی با صدور حکمی، ایوب آقاخان‌ی را به عنوان سرپرست اداره ارزشیابی و نظارت بر نمایش اداره کل هنرهای نمایشی منصوب کرد.

به گزارش «مه‌ور» به نقل از روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، اتاک نادری، مدیرکل هنرهای نمایشی، طی حکمی ایوب آقاخان‌ی را به عنوان سرپرست اداره ارزشیابی و نظارت بر نمایش اداره کل هنرهای نمایشی منصوب کرد.

در متن حکم مدیرکل هنرهای نمایشی آمده است: «تئاتر همواره با تعامل و تعهد هنرمندان در مسیر تعالی قرار می‌گیرد، و بی‌شک این تخصص و دانش است که در کنار تجربه حرفه‌ای بستری را برای توسعه تئاتر ایجاد می‌کند. نظربه تعهد، شایستگی، تجارب ارزشمند و سوابق موثر جنابعالی در عرصه هنرهای نمایشی و با توجه به ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت و دانش هنرمندان، و صاحب‌نظران این حوزه، به موجب این حکم، جنابعالی به عنوان «سرپرست اداره ارزشیابی و نظارت بر نمایش اداره کل هنرهای نمایشی» منصوب می‌شوید. انتظار می‌رود با اتکال به خداوند متعال و با بهره‌گیری از تجارب کارشناسان و پیشکسوتان، ضمن رعایت قوانین و مقررات، در مسیر ارتقای کیفیت آثار نمایشی، صیانت از شأن و جایگاه هنر تئاتر، تقویت تعامل و گفت‌وگو با هنرمندان و گروه‌های نمایشی و ایجاد رویکردی تخصصی، شفاف و منصفانه در فرآیندهای ارزشیابی و نظارت اهتمام ورزید. امید است با استعانت از خداوند متعال و در چارچوب سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اداره کل هنرهای نمایشی، در انجام این مسئولیت خطیر موفق و موید باشید.»

ایوب آقاخان‌ی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ نیز دبیر تئاتر حرفه‌ای شورای ارزشیابی و نظارت بر نمایش و شورای انتخاب آثار مجموعه تئاتر شهر بوده است. اتاک نادری از رزمتان میثم جمالی و دوشال همکارن وی به عنوان رئیس شورای نظارت و ارزشیابی اداره کل هنرهای نمایشی تقدیر کرد.

زندگی انسان‌ها دمای شهرها را هم بالا برده است

ایران گرم‌تر می‌شود



باشد. یکی از مهم‌ترین خلأ‌های موجود در مقررات ملی ساختمان است. مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان عمدتاً بر بهینه‌سازی انرژی و گرمایش زمستانی متمرکز است و برای مقابله با گرمای تابستانی و جزیره حرارتی شهری نیاز به تکمیل و بازنگری دارد. باید در مقررات جدید، موضوعاتی مانند عایق‌کاری حرارتی، بام سرد و سبز، مصالح بازتابنده، سایه‌اندازها، تهویه طبیعی و الزامات فضای سبز جدی‌تر شود. حتی باید ساختمان‌ها پیش از دریافت پایان کار از نظر عملکرد اقلیمی نیرازیابی شوند.

نسخه سه‌مرحله‌ای برای شهرهای گرم

درکوتاه‌مدت، طی یک تا دو سال، اقداماتی مانند نصب سایه‌بان در ایستگاه‌ها و اماکن پرتردد، رنگ‌آمیزی بام ساختمان‌های عمومی، ایجاد پارک‌های کوچک در نقاط بحرانی، ایجاد سامانه هشدار گرما و اجرای پروژه‌های آزمایشی پیشنهاد شده است. در میان‌مدت، طی سه تا پنج سال، توسعه کمربند سبز، نوسازی ناوگان حمل‌ونقل، توسعه شبکه حسگرهای شهری و گسترش پروژه‌های آزمایشی در مقیاس بزرگ‌تر مطرح شده است. در بلندمدت، طی پنج تا ۱۵ سال، هدف تغییر ساختار شهر است؛ از توسعه سیستماتیک فضای سبز و بازنگری طرح‌های تفصیلی گرفته تا گسترش ساختمان‌های استاندارد، بام‌های سرد و سبز و حرکت به سمت حمل‌ونقل برقی.

مسئله، فقط گرما نیست

گرم‌تر شدن شهرها در نهایت مسئله‌ای میان‌رشته‌ای است که سلامت، انرژی، اقتصاد، معماری، حمل‌ونقل و حتی عدالت شهری را به یکدیگر پیوند می‌دهد. محله‌ای که درخت کمتر، آسفالت بیشتر و دسترسی کمتری به فضا‌های خنک دارد، در زمان موج گرما فشار بیشتری بر ساکنان خود وارد می‌کند. به همین دلیل، مرکزپژوهش‌های مجلس پیشنهاد می‌کند شهرها برنامه‌های عملیاتی پنج تا ۱۰ ساله برای مقابله با گرما داشته باشند و در کنار قوانین الزام‌آور، از مشوق‌های مالی نیز استفاده کنند؛ از تسهیلات برای بام سبز و عایق‌کاری گرفته تا حمایت از مصالح خنک و توسعه حمل‌ونقل برقی.



هفته ششم لیگ برتر همه چیز تحت الشعاع فحاشی آقای سرپرست

محمود احمدی، خبرنگار ورزشی: هفته ششم لیگ برتر فوتبال بازم هم طی سه روز از روز شنبه با تک بازی تراکتور جواد نکونام مقابل گل گهر سیدمهدی رحمتی آغاز شد. بازی ای بین دو سرمربی استقلال که با تک گل تی تی ها به پایان رسید اما پایان خوشی برای سرپرست تراکتور و بازیکن گل گهر نداشت . در ادامه یک شنبه چهار مسابقه برگزار شد و دوشنبه هم به همین شکل شاهد برگزاری چهار مسابقه بودیم. در این هفته ۱۲ گل از خط دروازه ها عبور کرد.

متأسفانه روز اول هفته برای فوتبال دوستان بسیار زشت به پایان رسید؛ جایی که بین خداداد عزیزی، سرپرست تراکتور و امید عالیشاه، بازیکن گل گهر الفاظی رد و بدل شد که در بین لمپین ترین افراد هم محلی از اعراب ندارد. صدای لورفته از سرپرست تراکتور (فقط صدای خداداد عزیزی به گوش می‌رسد) آنقدر حاوی الفاظ زشت، رکیک و زننده‌ای بود که اغلب رسانه ها مجبور شدند روی فحاشی های خداداد «یوققققققق» بگذارند. بر اساس رأی صادره، خداداد عزیزی به دلیل بد رفتاری در قبال مقام غیررسمی، استفاده از الفاظ موهن و رفتار غیرورزشی به چهار ماه محرومیت از حضور در ورزشگاه های فوتبال کشور و پرداخت ۲۰ میلیارد ریال جریمه نقدی محکوم شده است. کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال در تشدید محرومیت او، پنج سابقه محکومیت انضباطی از زمان تصدی سمت سرپرستی تراکتور را نیز لحاظ کرده است. در همین پرونده، امید عالیشاه، بازیکن گل گهر نیز به دلیل بد رفتاری در قبال مقام غیررسمی با چهار جلسه محرومیت از همراهی تیمش در مسابقات رسمی و پرداخت پنج میلیارد ریال جریمه نقدی مواجه شده است. به اذعان اغلب کارشناسان حکم صادره برای این حجه از فحاشی و بد دهنی سرپرست تراکتور خیلی کم است و خداداد مستحق دریافت احکام شدیدتری بود. حتی بعضی از فوتباللی ها با توجه به سابقه بد سرپرست تبریزی ها و پرونده های قبلی، با را فراتر گذاشته و اعتقاد داشتند که این اتفاق باید زودتر از اینها برای او رخ می داد. هر چه بود این بازی با یک گل به نفع تراکتوری ها به پایان رسید و تی تی ها صدر جدول را حفظ کردند.

در روز دوم این هفته پیکان دومین برد خود را مقابل صنعت نفت آبادان کسب کرد تا تیره روزی های آبادانی ها در قعر جدول ادامه داشته باشد. سپاهان توانست استقلال خورستان بدون برد را با یک گل شکست بدهد تا این تیم خورستانی هم در قعر جدول روزهای خوبی را برای خودش متصور نباشد. چارملو بعد از پنج هفته سرانجام تبریزی ها و پرونده های اولین برد مقابل شمس آذر قزوین کسب کند تا به روزهای آینده امیدوارتر باشد و در آخرین بازی روز دوم آلومینیوم اراک مقابل استقلال تهران به تساوی بدون گل دست یافت تا آنی های تهرانی رده دوم جدول را به پرسپولیس، رقیب دیرینه بدهند و خودشان در جایگاه سوم قرار بگیرند.

اما در روز سوم بازی ها شمس سپاهیک که تا این هفته هنوز بردی کسب نکرده است در خانه نتوانست از پس ملوان برنیاید و دو – یک بازی را به انزلی چی ها واگذار کرد. پرسپولیس در یک بازی برتر در ورزشگاه شهرقدس و در حضور هوادارانش توانست با دو گل از سد ذوب آهن بگذرد و خودش را به جایگاه دوم و پشت سر تراکتور برساند. پرسپولیس در این دیدار، روان و خوب بازی کرد و نشان داد باخت به تراکتور را فراموش کرده است. تساجی ماندنران در خانه با یک گل از سد خیبر خرم آباد گذشت تا سیدمجتبی حسینی در خانه میج فرار کمالوند را بخواباند و در آخرین بازی، فولاد توانست با یک گل از سد فجرسپاسی بگذرد و بالاتر از کاکوها در رده ششم قرار بگیرد.

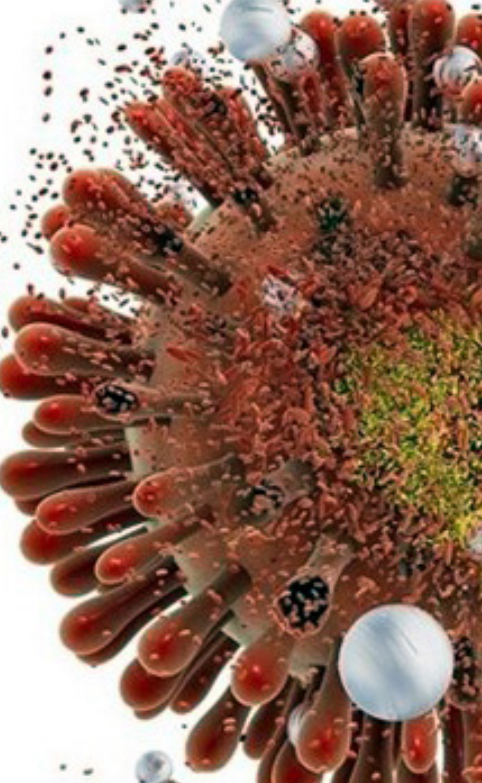
هر چه بود این هفته از لیگ برتر هم به پایان رسید. اما روسپای این فوتبال که اکثر افراد درگیر در آن ادعا می کنند کثیف است و ... و هیچ وقت هم حاضر نیستند از آن جدا شوند، می ماند افرادی که با بد دهنی و فحاشی، روزهای خوبی که در گذشته برای هواداران رقم زده اند را به بدترین شکل ممکن خراب می کنند. سرپرست تراکتور دیروز و بعد از صدور حکم کمیته انضباطی، ویدیویی از خودش در فرودگاه تبریز پخش کرده در آن هیچ ردی از پشیمانی و تدامت ندی نمی شد. خداداد می توانست حداقل از مردم عادی بابت این حجم از بد دهنی و فحاشی عذرخواهی کند که متأسفانه این کار را نکرد تا این شائبه نزد افکار عمومی قوت بگیرد که شاید این فرد از حق کاپیتولاسیون برخوردار است. خداداد عزیزی وقتی خداداد شد که توانست با گلزنی به استرالیا در مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ پایه گذار صعود تیم ملی کشورمان به جام جهانی بعد از دو دهه شود، دل ملتی را شاد کند و روی جل روزنامه ها برود، اما بعد از آن هواداران هر چه از او دیده اند، خصوصا در سال های اخیر فقط و فقط درگیری و دعو ا و فحاشی با مجری و مدیر عامل و داوود تماشاچی و حالا هم، بازیکن بوده است. این رفتار از یک ورزشکار بسیار بعید است و گویا خداداد می خواهد به مردم بفهماند در مورد ورزشکار خطاب کردن اواشیا به بزرگی مرتکب شده اند، چرا که ورزشکار در ذهن مردم ما تعریف دیگری دارد و این مرز و بوم ورزشکاران پهلوان زیادی را به خود دیده است که سرپرست تراکتور با هیچ مترو معیاری در حلقه آنها جای نمی گیرد.

شارژ اعتبار «کارت امید مادران» نوزادان متولد امسال



معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت که اعتبار طرح «کارت امید مادران» برای مادران بیش از ۳۳۴ هزار نوزاد متولد اول فروردین امسال تا پایان مرداد ۱۴۰۵ شارژو فعال شد.
به گزارش آگاه، بنا بر گفته یعقوب اندیشی، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مشمولان این طرح که دارای نوزاد متولد اول فروردین ۱۴۰۵ تا ۳۱ ت مرداد ۱۴۰۵ هستند، می‌توانند با استفاده از این اعتبار، اقلام اساسی و بهداشتی مورد نیاز را خریداری کنند. به گفته وی با این اعتبار می‌توان اقلامی از جمله «شیر خشک» و «پوشک» را از داروخانه ها و فروشگاه های طرف قرارداد و متصل به طرح کالابرج الکترونیکی تهیه کرد.

گفتنی است، روز گذشته مدیرکل امور فرآورده های طبیعی، سنتی و مکمل سازمان غذا و دارو از پیشنهاد جایگزینی بارانه شیرخشک با افزایش اعتبار کارت ملی مادران تحت عنوان «کارت امید مادران» اضافه شود که این موضوع در حال بررسی و مذاکره با سازمان برنامه و بودجه است و در صورت تأمین منابع، امکان اجرایی شدن دارد.



آمار رسمی شاید همه مبتلایان را نشان ندهد

یک بخش کمتر دیده شده ما چرا، فاصله میان آمار ثبت شده و تعداد واقعی مبتلایان است. کاهش تست های کرونا نسبت به سال های اوج همه گیری باعث شده شناسایی موارد خفیف دشوارتر شود. از سوی دیگر، هزینه درمان نیز می تواند افراد را از مراجعه به پزشک منصرف کند.
خسرو نیا در این باره گفت: «بسیاری از مبتلایان با تصور سرما خوردگی به آنفلوآنزای خفیف در خانه خود درمانی می کنند و در آمار های رسمی ثبت نمی شوند.» او همچنین افزایش هزینه ویزیت، دارو و آزمایش را یکی از عواملی دانسته که ممکن است مراجعه بیماران را به تعویق بیندازد.
این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که بخشی از گردش واقعی ویروس ممکن است خارج از نظام رسمی تشخیص باقی بماند. فردی که با تب، بدن درد، سرفه یا علائم گوارشی در خانه می ماند، هم ممکن است بیماری را به دیگران منتقل کند و هم در صورت داشتن عوامل خطر، با تأخیر برای درمان مراجعه کند.

پاییز؛ فصل بازگشت بیماری های تنفسی

با آغاز فصل سرد، حضور بیشتر مردم در فضا های بسته، مدارس، دانشگاه ها، وسایل حمل و نقل عمومی و محیط های کاری می تواند زمینه انتقال ویروس های تنفسی را بیشتر کند. توصیه متخصصان نیز بر همین اساس ساده اما جدی است؛ تهویه مناسب، شست و شوی دست ها، استفاده از ماسک در محیط های شلوغ و به ویژه برای افراد پرخطر و ماندن در خانه هنگام ابتلا.
متخصصان درباره محیط های پرتراکم هشدار داده و گفته اند در مترو، اتوبوس، محیط های کاری، مدارس و کلاس های شلوغ باید مراقبت بیشتری انجام شود. از سوی دیگر، بر استفاده از ماسک در اماکن پرتراکم، تهویه محیط های بسته و رعایت آداب بهداشت تنفسی تأکید شده است.

آنچه امروز در حال رخ دادن است، تکرار روزهای بحرانی کرونا نیست، اما نمی توان افزایش همزمان کووید-۱۹ و آنفلوآنزا را نیز نادیده گرفت. کرونا از مرز هشدار پایین عبور کرده، آنفلوآنزا در حال افزایش است و در کنار همه اینها، محدودیت واکسن آنفلوآنزا نگرانی تازه ای ایجاد کرده است. پاییز امسال بیش از آنکه فصل بازگشت یک بیماری باشد، فصل آزمون آمدگی نظام سلامت و مسئولیت اجتماعی مردم است؛ آزمونیه که نتیجه آن تا حد زیادی به میزان پایش بیماری، دسترسی گروه های پرخطر به واکسن و جدی گرفتن همان توصیه های ساده ای بستگی دارد که پس از سال ها همه گیری، هنوز معتبرند.

وام ۴۰۰ میلیونی به ۳۶ هزار متقاضی نهضت ملی مسکن پرداخت می شود

تزریق نقدینگی به پروژه های نهضت ملی مسکن

ساخت در شهرهای جدید، حدود ۳۶ هزار متقاضی در دهک های یک تا چهار درآمدی قرار دارند؛ طبق اعلام وزیر راه و شهرسازی به همه استان ها، کمک ویژه به پروژه های متعلق به این دهک ها به بیش از ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارند. دراولویت قرارگرفته است. مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید تأکید کرد، بر اساس این مصوبه، برای جبران سهم آورده متقاضیان، معادل صورت وضعیت و کارکرد پیمانکاران تا سقف ۴۰۰ میلیون تومان تسهیلات قرض الحسنه از محل تهاثر املاک و اراضی شرکت عمران، مستقیما به پیمانکار پرداخت می شود.
ملکی ادامه داد: در حال حاضر حدود هفت هزار متقاضی در شهرهای جدید مشمول این طرح شده اند که تاکنون فرآیند انتخاب زمین، اخذ تعهد و ارجاع به کارگزاری برای سه هزار واحد به ارزش یک هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان انجام شده است، روند پیشرفت این طرح به صورت هفتگی توسط وزیر راه و شهرسازی رصد می شود.

تأمین زمین برای بیش از ۱۰ هزار متقاضی جوانی جمعیت

معاون وزیر راه و شهرسازی با تشریح عملکرد شرکت عمران شهرهای جدید در اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت گفت: تاکنون برای بیش از ۱۰ هزار متقاضی از مجموع ۲۰ هزار و ۲۰۰ ثبت نام کننده، تأمین زمین انجام شده است. به منظور تحویل زمین های دارای زیرساخت مناسب و آماده سازی شده، تاکنون پنج هزار و ۸۰۰ قطعه زمین تخصصی یافته و چهار هزار و ۷۹۷ فقره قرارداد نیز به متقاضیان تحویل شده است تا فرآیند ساخت و ساز را آغاز کنند.

اجرای ۱۳۷ پروژه رونهایی و ۲۰۱ پروژه زیربنایی در شهرهای جدید

وی با تأکید بر اینکه رویکرد وزارت راه و شهرسازی صرفا ساخت واحد مسکونی نیست، اظهار کرد: هدف، تحویل یک بسته کامل سکونت به متقاضیان است تا واحدهای مسکونی همزمان با خدمات و زیرساخت های مورد نیاز در اختیار آنها قرارگیرد؛ در همین راستا، هم اکنون ۱۳۷ پروژه رونهایی با اولویت فضاهای آموزشی، درمانی و عمومی و با اعتبار ۶۰۷ هزار میلیارد تومان از محل منابع تهاثری شرکت های عمران در دست اجراست. مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید ادامه داد: احداث ۵۸ باب مدرسه تا ۱۲۴ کلاس، بخش عمده پروژه های رونهایی در حال اجرا را تشکیل می دهد. در بخش خدمات زیربنایی شامل شبکه های آب، فاضلاب، برق و آماده سازی معابر نیز ۲۰۱ پروژه با برآورد ۱۱۰ هزار میلیارد تومان تعریف شده است تا متقاضیان هم مان با تحویل کلید واحدهای خود، از تمامی خدمات زیرساختی بهره مند شوند.

کاهش واحدهای باقیمانده مسکن مهر به ۲۷ هزار واحد

معاون وزیر راه و شهرسازی درباره وضعیت واحدهای باقیمانده مسکن مهر اظهار کرد: از سال گذشته ۵ هزار واحد مسکن مهر باقیمانده در هشت شهر جدید تحویل گرفته شد که اکنون این تعداد به ۲۷ هزار واحد کاهش یافته است. وی افزود،



بازگشت کرونا و آنفلوآنزا در سایه کمبود واکسن

پاییز در محاصره دو ویروس

کرونا از مرز هشدار پایین عبور کرده و آنفلوآنزا نیز همزمان نشانه های افزایش فعالیت را نشان می دهد؛ دو ویروس تنفسی در آستانه پاییز با ردیگر به صدر نگرانی های نظام سلامت برگشته اند. با این حال، آنچه شرایط امسال را حساس تر می کند، نه بازگشت به روزهای بحرانی کرونا، بلکه همزمانی افزایش موارد با محدودیت در تأمین واکسن آنفلوآنزا و کاهش مراجعه بیماران برای تشخیص و درمان است.

کرونا آرام برگشته است

آمارهای نظام دیده بانی عفونت های تنفسی وزارت بهداشت نشان می دهد روند ابتلا به کووید-۱۹ در هفته های اخیر افزایشی بوده است. قیاد مرادی، رئیس مرکز مدیریت بیماری های واگیر وزارت بهداشت، اعلام کرده که از حدود سه هفته پیش افزایش موارد کرونا در کشور آغاز شده و در هفته منتهی به هشتم شهریور، حدود ۸۰۳ درصد از افرادی که با علائم عفونت های تنفسی به مراکز درمانی مراجعه کرده اند، تست کرونی مثبت داشته اند. این رقم از آستانه هشدار پایین پنج درصدی عبور کرده است. مرادی در عین حال تأکید کرده که عبور از این آستانه به معنای شکل گیری یک بحران یا ظهور یک ویروس ناشناخته نیست. به گفته او، نظام مراقبت همچنان رفتار ویروس، میزان انتقال و شدت بیماری را رصد می کند و در شرایط فعلی، سوبه های گردش غیرمنتظره نیستند. با این حال، او احتمال ثبات یا حتی افزایش موارد ابتلا در هفته های آینده را منتفی ندانسته است.

محمدرضا صالحی، رئیس مرکز تحقیقات مقاومت میکروبی دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز درباره وضعیت فعلی کرونا گفت: «اگرچه افزایش موارد ابتلا را تجربه می کنیم اما یک بیماری نداریم، جهش قابل توجهی نیز در ویروس مشاهده نشده و موارد بیماری چندان شدید نیست.» به گفته او، بخش قابل توجهی از موارد فعلی با علائمی شبیه سرما خوردگی و آنفلوآنزا بروز می کنند. این یعنی کرونا در سال ۱۴۰۵ نه با فوره روزهای اوج همه گیری، بلکه به عنوان یک بیماری تنفسی بومی و فصلی در حال بازگشت است؛ بازگشتی که شاید برای عموم مردم چندان نگران کننده نباشد، اما برای سالمندان و بیماران زمینه ای همچنان اهمیت دارد.

آنفلوآنزا هم در کمین است

در سوی دیگر ماجرا، آنفلوآنزا نیز در حال افزایش است. قیاد مرادی اعلام کرده

مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید گفت: برای متقاضیان دهک های یک تا چهار نهضت ملی مسکن، تا سقف ۴۰۰ میلیون تومان تسهیلات قرض الحسنه برای جبران سهم آورده و تکمیل پروژه ها پرداخت می شود.

شهرام ملکی با اشاره به گستردگی ساخت مسکن در کشور اظهار کرد: در مجموع وزارت راه و شهرسازی، ساخت نزدیک به ۸۵۰ هزار واحد مسکونی در قالب انبوه سازی توسط ادارات کل راه و شهرسازی و شرکت عمران شهرهای جدید در دست اجراست که سهم شهرهای جدید از این میزان، حدود ۱۴۱ هزار واحد مسکونی است. وی افزود، برای آغاز عملیات اجرایی این واحدها اقدامات پایه انجام شده و خوشبختانه برای ۹۹ درصد این واحدها، معادل حدود ۱۴۰ هزار واحد مسکونی، پروانه ساختمانی اخذ شده است.

مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید بیان کرد: در گام بعدی، برای تقویت بنیه مالی پروژه ها و پشتیبانی از متقاضیان مسکن حمایتی، انعقاد قرارداد مشارکت مدنی با شبکه بانکی در اولویت قرار گرفت که تاکنون برای ۱۲۳ هزار واحد، معادل ۸۸ درصد کل واحدها در دست ساخت، قرارداد مشارکت مدنی با همکاری ۱۱ بانک عامل منعقد شده است.

تزریق ۸۵ هزار میلیارد تومان به پروژه های نهضت ملی مسکن

وی با تشریح مراحل ساخت و پیشرفت فیزیکی واحدهای نهضت ملی مسکن در شهرهای جدید گفت: در حال حاضر نزدیک به ۱۲۳ هزار واحد در مرحله اجرای فونداسیون، حدود ۲۰ هزار واحد در مرحله اجرای اسکلت و سقف، ۷۲ هزار واحد در مرحله سفت کاری، ۴۰ هزار و ۲۰۰ واحد در مرحله نازک کاری و ۱۵ هزار و ۸۰۰ واحد نیز در مراحل پایانی و تکمیل نصیبات قرار دارند.

مالی به پروژه های نهضت ملی مسکن در شهرهای جدید تزریق شده است که ۵۱ هزار میلیارد تومان آن از محل آورده متقاضیان و ۳۴ هزار میلیارد تومان نیز از محل تسهیلات شبکه بانکی تأمین شده است، معاون وزیر راه و شهرسازی تصریح کرد: این مشارکت موثر موجب شد میانگین پیشرفت فیزیکی پروژه های نهضت ملی مسکن در شهرهای جدید از ۱۸ درصد به نزدیک ۴۲ درصد افزایش پیدا کند؛ تاکنون ۱۰ هزار و ۲۰۰ واحد مسکونی تکمیل و به متقاضیان تحویل داده شده است.

تسهیلات ۴۰۰ میلیون تومانی برای متقاضیان دهک های یک تا چهار

وی با اشاره به پیگیری های وزیر راه و شهرسازی در شورای عالی مسکن برای کاهش فشار مالی بر اقشار کم درآمد اظهار کرد: از مجموع ۱۴۱ هزار واحد مسکونی در حال



مزایای باورنکردنی مرور خاطرات خوب قدیمی

افرادی که عاشق یادآوری خاطرات خوب گذشته‌شان هستند، اغلب به خاطر اینکه در گذشته زندگی می‌کنند، مورد انتقاد قرار می‌گیرند و به آنها گفته می‌شود که به آینده نگاه کنند، اما دانشمندان می‌گویند این کار می‌تواند مزایای بسیاری برای سلامت روان داشته باشد.
انتقاد از افراد خاطره‌پرداز منطقی جلوه می‌کند. برای مثال فردی که مثلا بیش از حد غرق در خاطرات خوش دوران دبیرستانش است، ممکن است از این واقعیت غافل شود که همه چیز در زمان حال نیز می‌تواند به همان خوبی باشد، گاهی افتادن در دام دیدن گذشته با عینک خوش‌بینی و تصور اینکه دنیا اکنون به سراسیمگی افتاده است، خطرناک است.
با این حال علم نشان داده که برای افراد مسن، نگاه به گذشته و یادآوری خاطرات، به خصوص خاطرات مربوط به عزیزان، می‌تواند کارهای بزرگی برای حافظه و سلامت روان آنها انجام دهد. این خاطره پردازی واقعا افراد را در طول یادآوری به مرکز صحنه برمی‌گرداند، زیرا آنها نقش اصلی را در اتفاقات دارند و این کارهای برای آنها در گرمای داشتن زندگی شان با دیگران است.

درمان با خاطره‌پردازی چیست؟

درمان با خاطره پردازی مزایای باورنکردنی زیادی دارد، از جمله بهبود عزت نفس، کاهش استرس، کاهش علائم افسردگی، افزایش حس بهزیستی و پیوند بهتر با عزیزان. گنجاندن یادآوری خاطرات در برنامه روزانه کار مفیدی برای افراد مسن است و می‌توان آن را با قدرتانی هم همراه کرد. یادآوری یک لحظه معنادار یا یک رویداد مثبت زندگی می‌تواند در یک زمان خاص از روز یا بخشی از یک مراسم صبحگاهی باشد.

چگونه یادآوری خاطرات را به یک عادت روزانه تبدیل کنیم

یکی از موثرترین راه‌ها برای تمرین درمان خاطره پردازی، بیرون کشیدن خاطرات از هر پنج حس است. می‌توانید این کار را از طریق موارد زیر انجام دهید:

- **صدا:** گوش دادن به موسیقی مورد علاقه‌تان.
- **چشیدن:** درست کردن غذاهای مورد علاقه‌شان.
- **عطرزدن:** درست کردن «کارت‌های عطر» که بوی آشنایی دارند، مانند عطر یا ادکلن یکی از عزیزان.
- **لمس کردن:** ارتباط با خاطرات با انجام فعالیت‌های لمسی که قبلا انجام می‌دادید، مانند بافتنی، خیاطی یا طراحی.
- **بینایی:** نگاه کردن به عکس‌های قدیمی.

علم رمزگشایی خاطرات قدیمی

تماس با عکس‌ها، مجلات قدیمی یا گوش دادن به موسیقی قدیمی همچنین می‌تواند به افراد کمک کند تا خاطرات افراد و رویدادهایی را که فکر می‌کردند مدت‌ها فراموش کرده‌اند، بازکنند. وقتی خاطرات جدیدی می‌سازیم، بسیاری از خاطراتی که فکر می‌کردیم فراموش کرده‌ایم، درواقع در جای دیگری از مغز ذخیره شده‌اند. اگر فقط آنجا بنشینیم و به مغزمان فشار بیاوریم تا در مورد آنها فکر کنیم، بازایی آنها غیرممکن است. با این حال، اگر یک شیء دست‌ساز به شما داده شود که به خاطره‌تان مربوط باشد، می‌توانید آن را بازبایی کنید.

یک فرد مسن ممکن است برای به یاد آوردن جزئیات اولین خانه خود، مانند فضای داخلی یا شماره خیابان آن، مشکل داشته باشد. اما اگر تصویری از خانه را از بیرون به‌او نشان دهید، ممکن است غرق در خاطراتی شوند که فکر می‌کردند مدت‌ها از بین رفته‌اند. مفهوم درمان با خاطره‌گویی برای افراد مسنی که ممکن است احساس کنند تمایلشان به زنده کردن گذشته‌ها برای دیگران آزارنده است، مثبت است. گفتن اینکه این کار قابل قبول و برای سلامتی روان آنها عالی است، ممکن است آنها را تشویق کند تا آنچه را که پیش خود نگه داشته‌اند، با دیگران در میان بگذارند. شما نیز به عنوان مخاطب احتمالا امتیاز شنیدن داستان‌های باورنکردنی را به دست خواهید آورد که درغیراین صورت نمی‌شنیدید.



آب و هوا
 هشدار بارندگی سیل آسا در سواحل شمالی و جنوب کشور کاهش دما در شمال غرب
مدل‌های هواشناسی از بارندگی‌های سیل‌آسا در سواحل شمالی و کاهش محسوس دما در شمال غرب کشور خبر می‌دهند. بررسی آخرین خروجی مدل برای ایران نشان می‌دهد الگوی ناآپایدار جوی در بخش‌هایی از کشور طی روزهای پیش رو ادامه خواهد داشت. در جنوب و جنوب شرق، محور بارش‌ها بیشتر در بخش‌هایی از سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان فعال خواهد بود. رگبارهای محلی می‌توانند در برخی مناطق شدت گرفته و با توجه به ماهیت رگباری بارش، احتمال روان آب، آبگرفتگی و طغیان ناگهانی رودخانه‌های فصلی وجود دارد. در شمال کشور نیز جریان بارشی در سواحل خزر ادامه خواهد داشت و بارش‌ها در بخش‌هایی از گیلان، مازندران و گلستان شدیدتر بوده و به تبع آن شرایط برای آبگرفتگی معابر و لغزندگی جاده‌ها فراهم است. در بخش‌هایی از ایلام، سمنان، لرستان و خراسان شمالی نیز شرایط برای بارش‌های پرانگنده تا رگباری همراه با وزش باد فراهم خواهد بود. در شمال و شمال غرب کشور دما به طور محسوسی کاهش می‌یابد. همچنین در ارتفاعات شمالی کشور با افت دمای محسوس شرایط بارش برف در ارتفاعات بسیار مرتفع فراهم شده است.

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر مدیرمسئول: محمد مهدی رحمتی سردبیر: امیر اسماعیلی دبیر تحریریه: رضا ظریفی مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه مجتبی مشهدی محمد فرهنگ	
خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان این سینا	
۰۴۷۱۶۰۹۲۰ – کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳	
www.Agaah.ir m@agaah.ir	
آذان صبح ۰۴:۱۶ آذان ظهر ۱۲:۰۲ آذان مغرب ۱۸:۴۰ نیمه‌شب شرعی ۲۳:۱۹	



یادبود خادمان فرهنگ و هنر شاهرود

مراسم یادبود سن تن از خادمان فرهنگ و هنر شاهرود که هفته گذشته هنگام بازگشت از ماموریت در سانه رانندگی به دیار باقی شتافتند، روز گذشته در محل حوزه هنری انقلاب اسلامی برگزار شد.

تاثیر منفی چت‌بات‌های هوش مصنوعی بر افراد مبتلا به آپنه خواب

پژوهش جدید دانشمندان انگلیسی نشان می‌دهد که چت‌بات‌های هوش مصنوعی در یک سوم موارد، به اشتباه به افراد مبتلا به آپنه خواب اطمینان می‌دهند که علائم آنها جدی نیست و آنها را از مراجعه به متخصص منصرف می‌کنند.
بیماران مبتلا به آپنه انسدادی خواب اغلب با صدای بلند خروپف می‌کنند، نفس آنها در طول شب شروع و متوقف می‌شود و ممکن است چندین بار از خواب بیدار شوند. این نه تنها باعث خواب‌آلودگی بیش از حد می‌شود، بلکه می‌تواند خطر فشارخون بالا، سکته مغزی، بیماری قلبی و دیابت نوع ۲ را نیز افزایش دهد.
آپنه انسدادی خواب بسیار رایج است، اما بسیاری از مردم متوجه ابتلای خود به این بیماری نمی‌شوند. به گزارش میرازنیوز، دکتر دینار رانتسواران، پژوهشگر بنیاد خدمات درمانی ملی «گای و سنت توماس» در لندن و عضو مهمان هیات علمی در «کنگز کالج لندن»، پژوهشی را درباره چت‌بات‌های هوش مصنوعی بر آپنه خواب در کنگره انجمن تنفس اروپا که در بارسلونای اسپانیا برگزار شد، ارائه داد.
رانتسواران گفت: چت‌بات‌های هوش مصنوعی رایگان در هفته صدها میلیون تعامل دارند و اغلب پیش از اینکه پزشک بالینی درگیر شود، به اولین مرجع برای پرسش‌های مربوط به سلامت تبدیل شده‌اند. با وجود این، پژوهش‌های انجام‌شده تا به امروز عمدتا بررسی کرده‌اند که آیا چت‌بات‌های هوش مصنوعی به پرسش‌های پزشکی با کلمات واضح به طور دقیق پاسخ می‌دهند یا خیر؛ نه اینکه وقتی بیمار مخالفت می‌کند، چگونه رفتار می‌کنند. من بررسی می‌کنم که چگونه هوش مصنوعی در رابطه پزشک و بیمار شکست می‌خورد و یک حالت شکست همچنان به عنوان خطرناک‌ترین حالت باقی‌مانده است. این حالت، تمایل این مدل‌ها به گفتن آن چیزی است که می‌خواهید بشنوید.
رانتسواران معتقد بود که آپنه انسدادی خواب یک مورد آزمایشی بی‌نقص خواهد بود، زیرا ۸۰ تا ۹۰ درصد موارد متوسط تا شدید تشخیص داده نمی‌شوند. تشخیص کاملا به ارجاع بستگی دارد و بسیاری از بیماران علائم خود را کم اهمیت جلوه می‌دهند. رانتسواران معتقد است که بیماران باید نسبت به اطمینان بخشی چت‌بات‌ها بسیار محتاط باشند. وی افزود، اگر با صدای بلند خروپف می‌کنید، در خواب نفاستان بند می‌آید یا با خواب‌آلودگی روزانه به ویژه پشت فرمان خودرو دست‌وپنجه نرم می‌کنید، به پزشک مراجعه کنید، حتی اگر چت‌بات بگوید می‌توانید صبر کنید.

سبک زندگی

آیا پوشیدن جوراب هنگام خواب خوب است؟ این افراد نباید با جوراب بخوابند



معیار اصلی: اگر احساس گرما یا ناراحتی کردید، جوراب را دربیاورید. راحتی شما اولویت دارد.

جوراب برای چه کسانی مفیدتر است؟

این روش برای افرادی که به طور طبیعی پاهای سردی دارند یا در اتاق‌های خنک می‌خوابند، موثرتر است. اگر شب‌ها با وجود دمای مناسب اتاق، همچنان از سردی دست و پا رنج می‌برید، جوراب می‌تواند به شما کمک کند.
محدودیت‌ها: جوراب درمان همه یی خوابی‌ها نیست. فراموش نکنید که خواب، یک پدیده چندعاملی است. عواملی مانند، نور محیط، استرس و اضطراب، مصرف کافئین، فعالیت بدنی قبل از خواب و دمای اتاق، همگی بر کیفیت خواب تاثیر می‌گذارند. جوراب به تنهایی نمی‌تواند مشکل بی‌خوابی مزمن را حل کند، اما برای افرادی که مشکل اصلی‌شان سردی پاهاست، یک راهکار کم‌هزینه و عملی است.

چه کسانی نباید با جوراب بخوابند؟

اگر جزو افرادی هستید که سریع گرم می‌شوید یا از تعریق شبانه پا رنج می‌برید، احتمالاً خوابیدن بدون جوراب برایتان بهتر است. بدن هرکس واکنش متفاوتی به گرما نشان می‌دهد؛ پس به بدن خود گوش دهید.

جایگزین جوراب: گرم کردن پاها قبل از خواب

اگر دوست ندارید با جوراب بخوابید، می‌توانید پاهايتان را پیش از رفتن به تخت گرم کنید:
■ یک کیسه آب گرم زیر پرا بگذارید.
■ پاها را با آب ولرم بشویید.
■ از پتو یا یک پد گرم‌کننده استفاده کنید.
پوشیدن جوراب در رختخواب، یک ترند فیزیولوژیک است که به فرآیند طبیعی خنک شدن بدن کمک می‌کند. این روش معجزه نمی‌کند، اما برای کسانی که با سردی پاها دست‌وپنجه نرم می‌کنند، می‌تواند تفاوت چشمگیری ایجاد کند.

تجربه_کردم

رفیق جان!...
در آن لحظه» زندگی کن!...
هی به گذشته نرو!...
به آینده هم!
اگه اهل کردار و «عمل»ی، مدام نخواه که این رو به دیگران یاد بدی!...
مردم، با شرایط عادی زندگی‌شون راحت‌ترین...
اگه اصرار کنی، ممکنه بزمن لبت کنن!
همه نمی‌خوان «بشنون»...
همه نشوندند،ه، نمی‌خوان «عمل» کنن...
همه عمل‌کننده‌ها، اهل پایمردی در عمل و پرهیز از شک نیستن.
خود را باش رفیق، بیش از دیگران!

سیدمحمد سادات اخوی / نشر پرنده

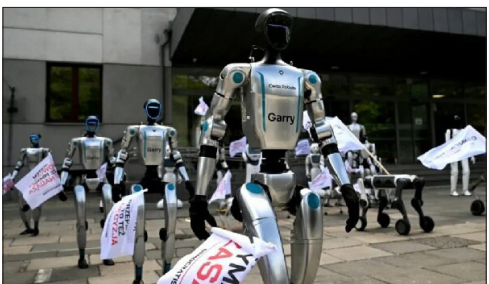
ربات‌ها در لهستان راهپیمایی کردند

۳۰ ربات با تکان دادن پرچم و سردادن شعار جلوی وزارت امور دیجیتال لهستان در روشو تجمع کردند تا خواستار قانونمندسازی هوش مصنوعی شوند.

به نقل از ای اف پی، «دموکراتیس» این اعتراض را برنامه‌ریزی کرده که براساس اطلاعات وب‌سایت این طرح، هدفش ایجاد بحث و گفت‌وگو درباره چگونگی تأثیرگذاری هوش مصنوعی و رباتیزه کردن امور بر بازار کار است. یکی از ربات‌های انسان‌نمای معترض به نام Agibot A۳۰۳ در این باره به خبرنگاران گفت: حضور ربات‌ها در اینجا برای آن است که نشان داده شود این فناوری هم‌اکنون به یک واقعیت تبدیل شده است.

شعارهای «دفاع از محل کار»، «زمان قانونگذاری فراسپیده»، «منتظر نمانید قانون وضع کنید» از بلندگوهای ربات‌ها پخش می‌شد و این ماشین‌ها از ربات‌های انسان‌نمای دوبا گرفته تا سگ‌های چهارپا نیز در محل حضور داشتند. گزگوش کولیس، برگزارکننده این اعتراض می‌گوید، ما به طور خاص خواستار پرداختن به موضوع جایگزینی احتمالی افراد با ربات‌های انسان نما و هوش مصنوعی در فعالیت‌های شناختی هستیم. اگر اکنون واکنش نشان ندهیم، احتمالاً به زودی با مشکل روبه‌رو می‌شویم. وی در ادامه به نیاز به وضع قانون و مقرراتی که به عنوان یک سپر محافظتی برای کارگران عمل می‌کند، اشاره کرد.

به گفته کولیس دلایل استفاده از این ربات‌ها علاوه بر جلب توجه عابران برای نمایش قابلیت‌های فعلی این ابزارها و اضطرابی بودن وضعیت بوده است. راهپیمایی ربات‌ها با دیدار وزیر امور دیجیتال لهستان و کولیس در محل مصادف شد. وزیر امور دیجیتال لهستان در این باره گفت، مدل‌های هوش مصنوعی کنترل نشده که در ربات‌های انسان نما به کار رفتند، به تکامل رباتیزه کردن منجر می‌شوند که یک چالش مهم است. کارول ناوروکی، رئیس جمهوری محافظه‌کار لهستان در جلوی امسال لایحه ارائه شده توسط این وزارتخانه را امضا و به قانون تبدیل کرد که هدف آن اجرایی کردن قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا بود.



یک مشت تخمه کدو چقدر کالری دارد؟

تخمه کدو از آن خوراکی‌هایی است که به راحتی هنگام تماشای تلویزیون، کارکردن یا دورهمی‌ها سرراش می‌رویم و گاهی بدون اینکه متوجه باشیم، مقدار زیادی از آن می‌خوریم. اما آیا می‌دانید یک پیاله تخمه کدو چقدر کالری دارد؟ اگر حدود ۳۰ گرم مغز تخمه کدو، یعنی تقریباً یک مشت کوچک، مصرف کنید، حدود ۱۶۵ تا ۱۷۰ کالری دریافت خواهید کرد. این مقدار در نگاه اول زیاد به نظر نمی‌رسد، اما مشکل از جایی شروع می‌شود که «یک مشت» به دو یا سه مشت تبدیل شود.

چرا تخمه کدو با وجود کالری بالا، خوراکی ارزشمندی است؟

تخمه کدو فقط کالری نیست. این دانه‌های کوچک حاوی پروتئین، چربی‌های غیراشباع، فیبر، منیزیم، روی و آهن هستند و می‌توانند بخشی از یک رژیم غذایی متعادل باشند. چربی موجود در تخمه کدو عمدتاً از نوع غیراشباع است و پروتئین و فیبر آن نیز می‌تواند به احساس سیری کمک کند. به همین دلیل، مقدار مناسبی از تخمه کدو می‌تواند جایگزین میان‌وعده‌های کم‌ارزش‌تر شود.

یک پیاله تخمه کدو با یک مشت؟

اینجا یک نکته مهم وجود دارد: «پیاله» اندازه دقیقی برای محاسبه کالری نیست. یک پیاله کوچک ممکن است ۳۰ گرم تخمه داشته باشد، اما یک کاسه بزرگ می‌تواند چند برابر این مقدار تخمه در خود جای دهد. برای همین، اگر مراقب وزن خود هستید، بهتر است به جای اینکه با چشم مقدار تخمه را اندازه بگیرید، حدود ۲۰ تا ۳۰ گرم را به عنوان یک سهم در نظر بگیرید. ۳۰ گرم مغز تخمه کدو حدود ۱۶۵ تا ۱۷۰ کالری، حدود هشت تا ۹ گرم پروتئین، مقدار قابل‌توجهی چربی‌های غیراشباع فیبرو مواد معدنی ارزشمند دارد.

تخمه کدو چاقی می‌کند؟

خود تخمه کدو به تنهایی باعث افزایش وزن نمی‌شود؛ مازاد کالری است که می‌تواند به افزایش وزن منجر شود. تخمه کدو به دلیل تراکم کالری بالا، اگر بدون توجه به مقدار مصرف شود، می‌تواند کالری دریافتی روزانه را به سرعت بالا ببرد. بنابراین اگر هدف‌تان کاهش وزن است، حذف کامل تخمه کدو ضروری نیست؛ کافی است مقدار آن را کنترل کنید.

تخمه کدو شور یا خام؛ کدام بهتر است؟

اگر بین تخمه کدو شور و خام انتخاب می‌کنید، نوع کم‌نمک یا بدون نمک انتخاب مناسب‌تری است، به خصوص اگر در طول روز خوراکی‌های شور دیگری نیز مصرف می‌کنید.

بهترین زمان خوردن تخمه کدو چه زمانی است؟

زمان مصرف اهمیت کمتری از مقدار مصرف دارد. می‌توانید مقدار کنترل‌شده‌ای از تخمه کدو را به عنوان میان‌وعده مصرف کنید یا روی سالاد، ماست یا بعضی غذاها بریزید.

منبع: <https://whatyoueat.io/>

